



در انتظار ولی اعظم

آیین انتظار
در آینه آیات روایات و
بیانات امام خمینی (قدس سره)
و رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)

مَدَامَ لَمَّا

در اثنا ظلم ولم أعظم

آیین انتظار

در اثبات آیات روایات و
بیانات امام خمینی (قدس سره)
و رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)

تهیه و تنظیم:

دفتر مطالعات راهبردی و تولیدات هنری «بصیر»

زمینه‌ها وقتی آماده شد؛ آن وقت که معلوم شد در مقابل قدرت مادی مستکبران عالم، زمینه‌ی این وجود دارد که آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان است.

... اینها دست خود ماست. اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد؛ همچنان که شهدای ما با فدا کردن جان خودشان آن روز را نزدیک کردند. نسلی که برای انقلاب آن فداکاری‌ها را کردند، با فداکاری‌های خودشان آن آینده را نزدیک‌تر کردند. هرچه ما کار خیر و اصلاح درونی و تلاش برای اصلاح جامعه انجام دهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیک‌تر می‌کنیم.

رهبر معظم انقلاب ۱۳۷۹/۰۸/۲۲

طاهری بآبادی، محمدرضا، ۱۳۵۴ - گردآورنده

در انتظار ولی اعظم: آیین انتظار در آینه آیات، روایات و بیانات حضرت امام خمینی (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) / محمدرضا طاهری بآبادی، مجید تقی زاده رحمت آبادی / تهیه و تنظیم: دفتر مطالعات راهبردی و تولیدات هنری بصیر، --- عرفه الاسلام، ۱۳۸۹.

۱۵۰ صفحه.

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۸۲۱-۴-۵

۳۰۰۰۰ ریال:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

کتابنامه: ص. [۱۴۷] - ۱۵۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - احادیث، ۲. مهنویت - انتظار، ۳. ولایت فقیه، ۴. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۳۶۹ - نظریه درباره ولایت فقیه، ۵. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - - نظریه درباره ولایت فقیه، ۶. مجتهدان و علما - نظریه درباره ولایت فقیه. الف. دفتر مطالعات راهبردی و تولیدات هنری بصیر به عنوان.

ردد بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۴/۴/۲۲۴ BP

۲۹۷/۴۶۲: رده بندی دیویی:

در انتظار ولی اعظم

«آداب انتظار»: در آینه آیات، روایات و بیانات حضرت امام خمینی (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)

تهیه و تنظیم: دفتر مطالعات راهبردی و تولیدات هنری «بصیر»

ناشر: عرفه الاسلام

نوبت چاپ: اول - مرداد ماه ۱۳۸۹

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

پست الکترونیک: Group.basir@gmail.com

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

فهرست

مقدمه ۱۱

پیشگفتار ۱۳

فصل اول: امام زمان کیست؟

۱. امام زمان در آینه آیات و روایات ۱۵

۲. ویژگی‌های مهدی موعود ۲۲

۲-۱. امتداد سلسله پیامبران ۲۲

۲-۲. خورشید فروزان تاریخ ۲۴

۲-۳. مظهر صفات و اسماء الهی ۲۵

۲-۴. سر «لیله القدر» ۲۶

۲-۵. انسان کامل ۲۷

۳. نیمه شعبان؛ عید امید ۲۷

۳-۱. شب و روز نیمه شعبان؛ جای نشین قدر ۲۷

۳-۲. عید حقیقی آزادگان عالم ۲۷

۳-۳. عید امید ۲۸

۳-۴. متفاوت با همه اعیاد! ۳۰

۳-۵. اما آیا جشن گرفتن کافی است؟! ۳۱

۴. «موعود» در ادیان و مذاهب مختلف ۳۲

۸ در انتظار «ولی اعظم»

- ۳۲ ۱-۴ امید همه بشریت
- ۳۵ ۲-۴ وعده خدا
- ۳۶ ۳-۴ تفاوت اعتقاد «مهدویت» شیعه با «موعود» دیگر ادیان و مذاهب
- ۳۹ ۴-۴ نتیجه اعتقاد به «مهدویت»
- ۳۹ ۱-۴-۴ نتایج معنوی و روحی
- ۴۰ ۲-۴-۴ نتایج اجتماعی
- ۴۶ ۵-۴ دلیل تهاجم به اعتقاد «مهدویت»
- ۵۴ ۶-۴ آفات و خرافات تهدیدکننده «عقیده به مهدویت»

فصل دوم: ویژگی‌های دوران ظهور

- ۵۸ ۱. عدالت
- ۵۸ ۱-۱ اهمیت عدالت
- ۶۰ ۲-۱ ویژگی‌های عدالتی که با ظهور امام زمان به وجود می‌آید
- ۶۲ ۳-۱ عدالت؛ برجسته‌ترین شعار مهدویت
- ۶۵ ۴-۱ راه استقرار عدالت؛ نصیحت یا مبارزه؟
- ۶۸ ۲. از بین رفتن همه اختلافات
- ۶۹ ۳. هدایت همگانی
- ۶۹ ۴. مردم‌سالاری در حکومت امام زمان

فصل سوم: مفهوم انتظار فرج

- ۷۲ ۱. قانع نشدن به وضع موجود
- ۷۵ ۲. دلگرمی نسبت به آینده جهان
- ۸۰ ۳. تلاش امیدوارانه
- ۸۲ ۱-۳ انقلاب اسلامی و انتظار فرج

فصل چهارم: وظایف منتظران

۱. برقراری رابطه قلبی با امام زمان ۹۳
۲. کسب آمادگی برای سربازی امام زمان ۹۵
۳. اصلاح کشور برای اهدا به محضر امام زمان ۹۹
۴. خدمت به مردم و اسلامی کردن کشور ۱۰۱
۵. زمینه‌سازی برای ظهور، از طریق مبارزه جدی با ظالمین ۱۰۴
۶. کار فرهنگی و تبلیغی ۱۰۵

فصل پنجم: سؤالات و شبهاتی پیرامون مهدویت

۱. علت غیبت امام زمان چیست؟ ۱۱۱
۲. راز طول عمر امام زمان چیست؟ ۱۱۲
۳. برداشت‌های انحرافی از انتظار فرج ۱۱۲
- ۱-۳. طرح شبهات ۱۱۲
- ۱-۱-۳. اکتفا به دعا و آمادگی فردی ۱۱۳
- ۲-۱-۳. بی‌توجهی به سیاست و آنچه در دنیا می‌گذرد ۱۱۳
- ۳-۱-۳. نهی از منکر نکردن، تا ظلم در عالم فراگیر شود ۱۱۴
- ۴-۱-۳. دعوت مردم به گناه؛ تا ظهور جلو بیفتد! ۱۱۴
- ۵-۱-۳. ادعای باطل بودن هر حکومتی قبل از ظهور ۱۱۴
- ۲-۳. پاسخ به شبهات ۱۱۵
- ۳-۳. ریشه چنین تفکراتی در کجاست؟ ۱۱۹

فصل ششم: ولایت فقیه؛ نیابت امام زمان

۱. آیین ولایتمداری در عصر غیبت ۱۲۵
۲. ولی فقیه، نایب امام زمان در عصر غیبت ۱۲۷

۱۰ در انتظار «ولی اعظم»

۳. کار ولی فقیه چیست؟ ۱۲۹
۴. کدامیک از فقهای شیعه ولی فقیه را جانشین امام زمان (عج) می‌دانند؟ ۱۳۲
۵. غیر از امام خمینی و چند عالم معاصر، کسی از علمای شیعه هست که همهٔ اختیارات حکومتی امام زمان را برای ولی فقیه معتبر بدانند؟ ۱۳۳
۶. علمای ربانی؛ الگوی ولایت‌مداری ۱۳۸
۷. کلام آخر ۱۴۵
- ۱-۷. ولایت فقیه؛ نشانه‌ای از عالی‌ترین حقیقت عالم آفرینش ۱۴۵
- ۲-۷. مخالفان ولایت فقیه؛ رودرروی امام زمان ۱۴۶
- پی‌نوشت‌ها ۱۴۷

مقدمه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»^۱

مطلع الفجر لیالی نورانی قدر، بستر نزول ملائکه مقربی است که حامل سلام پروردگار بر ولی مطلق عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفدا) هستند؛ لحظاتی که زمین از تفاخر به آسمانها در خود نمی‌گنجد و آسمانها بزرگراه «زمین - عرش» می‌گردند. انتساب این لحظات به وجود قدسی «ولی الله الاعظم»، مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرصتی است دیگر برای تأمل در آداب انتظار آن عزیز منتظر؛ و چه زیباست که آیین انتظار از کلمات گهربار نایبان وارسته آن حضرت - امام راحل (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) - مورد بازخوانی قرار گیرد.

این مجموعه که حاوی سخنان این دو عالم فرزانه درباره وجود مطهر امام زمان - ارواح من سواه فداه - است، به کوشش جمعی

۱۲ در انتظار «ولی اعظم»

از طلاب حوزه علمیه قم در دفتر مطالعات راهبردی و تولیدات هنری «بصیر» گرد آمده‌است. امید که مورد تأیید و قبول آن حضرت قرار گیرد.

به‌جاست در اینجا از معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۷ تهران که این کتاب با حمایت و همکاری ایشان تولید شد؛ همچنین آقایان: دکتر محمدباقر قالیباف، دکتر عیسی شریفی، دکتر سید محمدهادی ایازی، مهندس پژمان پشمچی زاده و آقای محسن پیرهادی، صمیمانه قدردانی گردد.

دفتر مطالعات راهبردی و تولیدات هنری «بصیر»

رمضان المبارک ۱۴۳۱

مردادماه ۱۳۸۹

پیشگفتار

ارتباط شب قدر با ولایت

لیلہ القدری کہ در این ماه رمضان است و قرآن صریحاً می‌فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^۱ یک شب بهتر است از هزار سی روز - هزار ماه - بسیار مهم است. چرا این قدر فضیلت را به یک شب دادند؟ زیرا برکات الهی در این شب زیاد است؛ نزول ملائکہ در این شب زیاد است؛ این شب، سلام است؛ «سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ»^۲ از اول تا آخر این شب، لحظاتی سلام الهی است. «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ»^۳ رحمت و فضل الهی است کہ بر بندگان خدا نازل می‌شود.

لیلۃ القدر، شب ولایت است. هم شب نزول قرآن است، هم شب نزول ملائکہ بر امام زمان است، هم شب قرآن و شب اهل بیت است، هم شب قرآن و هم شب عترت است. لذا سورۃ مبارکہ قدر هم، سورۃ ولایت است.

۱. شب قدر بهتر از هزار ماه است! (قدر: ۳)

۲. شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده! (قدر: ۵)

۳. بر آنها سلام (و درود الهی) است این سخنی است از سوی پروردگاری مهربان! (یس: ۵۸)

۱۴ در انتظار «ولی اعظم»

شب قدر خیلی ارزش دارد. همه ماه رمضان، شبها و روزهایش ارزش والا دارد. البته ليله القدر نسبت به روزها و شبهای ماه رمضان، خیلی فاخرتر است؛ اما شبها و روزهای ماه رمضان، نسبت به روزها و شبهای بقیه سال، خیلی فاخرتر است. باید قدر بدانید. در این روزها و در این شبها، همه بر سر سفره انعام الهی حاضرید. استفاده کنید.

برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب ۱۳۷۵/۱۰/۱۹

فصل اول:

امام زمان کیست؟

۱. امام زمان در آینه آیات و روایات

اشاره: بیش از یکصد آیه از قرآن کریم در روایات ما، به مصلح کل «حضرت بقیت الله (ارواحنا فداه)» تفسیر شده است؛ بسیاری از علمای بزرگ شیعه نیز، کتابهایی را در این رابطه به رشته تحریر در آورده‌اند که از آن جمله است: «الحجة فیما نزل فی القائم الحجة (علیه السلام)» تألیف عالم جلیل القدر، سید هاشم بحرانی که در آن به ۱۲۰ آیه از آیات تفسیر شده به ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) به استناد احادیث وارده از معصومین (علیهم السلام) اشاره شده است. علامه محمد باقر مجلسی در دائره‌المعارف بزرگ شیعه (بحار الانوار)، ۷۰ آیه را با استناد به احادیث وارده از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، به آن وجود مطهر نسبت می‌دهند. در کتاب «سیمای امام زمان (علیه السلام)» در آینه قرآن»، نگارش محقق بزرگوار علی اکبر

۱۶ در انتظار «وَلَّى اعْظَمُ»

مهدی پور، بیش از ۱۴۰ آیه از آیات قرآن کریم که در روایات فریقین (شیعه و سنی) به ظهور قبله موعود تفسیر شده، جمع‌آوری شده است.

در اینجا به نقل چند آیه در این رابطه بسنده می‌کنیم:

❖ «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛^۱ هدایت برای پرهیزکاران است؛ آنان که به غیب ایمان آوردند.

طبق احادیث فراوانی منظور از غیب در این آیه امام غایب (علیه السلام) است؛ امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «پرهیزگاران»، شیعیان علی بن ابی طالب (علیه السلام) هستند و اما «غیب» پس آن حجت غایب است.^۲

جابر بن عبدالله انصاری در ضمن یک روایت طولانی که در آن از ۱۲ پیشوای معصوم و قائم آنها بحث شده، از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که فرمود: خوشا به حال آنانکه در زمان غیبت او شکیبائی پیشه کنند و بر محبت آنها (اهل بیت علیهم السلام) استوار بمانند؛ که آنها را خداوند متعال در آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» ستوده است.^۳

۱. بقره: ۲

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۲: کمال الدین، ص ۳۴۰

۳. المحججه، ص ۱۷

فصل اول: امام زمان کیست؟ ۱۷

❖ «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»؛^۱ بگو اگر ببینید که آب شما فروکش می کند، چه کسی برای شما آب گوارا باز آورد؟

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خطاب به عمار می فرماید: ای عمار! خداوند با من عهد کرده که از تبار حسین (علیه السلام)، ۹ امام پدید می آید که نهمین آنها از دیدگان ناپدید می شود؛ و این است معنای آیه شریفه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا»، برای او یک غیبت طولانی است که گروهی از عقیده خود برمی گردند و گروهی بر آن ثابت می مانند و چون آخرالزمان فرا برسد، او ظاهر می شود و دنیا را پر از عدل و داد کند. چنانکه از جور و ستم پر شده است».^۲

همه موجودات زنده از آب آفریده شده و قوام آنها با آب است و منظور از آب گوارایی که در آیه فوق مطرح شده، مقام ولایت کبرای حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) است که پس از دوران فروکش (غیبت) یکبار دیگر به فرمان خدا ظاهر شده، تشنگان دانش و فضیلت، و شیفتگان تقوی و عدالت را، از آبشخور اقیانوس بیکران آب حیات و معادن حکمت، سیراب فرموده، به سعادت دنیا و آخرت نائل می گرداند.

۱. ملک: ۳۰

۲. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۶

۱۸ در انتظار «ولی اعظم»

❖ «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^۱؛ زمین به نور پروردگارش منور گردید.

امام رضا (علیه السلام) در تأویل این آیه می‌فرماید: او چهارمین فرزند من است... که زمین را از هر جور و ستمی پاکیزه می‌کند. مردم در ولادت او دچار تردید می‌شوند. او را غیبتی طولانی است و چون ظاهر شود، زمین را با نور پروردگارش روشن می‌گرداند.^۲

❖ «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۳؛ گذشته از ذکر (تورات)، در زبور نیز نوشتیم که به راستی زمین را بندگان شایسته‌ام به ارث می‌برند.

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت شده که منظور از بندگان صالحی که حکومت بر زمین را به ارث می‌برند در آیه شریفه، حضرت قائم (ارواحنا فداه) و یاران او می‌باشد.^۴

جالب اینکه متن این بشارت، در زبور فعلی هم موجود است.

❖ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۵؛ او خدایی است که پیامبرش را با هدایت و دین

۱. زمر: ۶۹

۲. منابع الموده، ص ۲۴

۳. انبیاء: ۱۰۵

۴. عقدا الدرر، ص ۲۱۷؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶

۵. توبه: ۳۳

حق برانگیخت تا آن را بر همه ادیان پیروز بگرداند. اگر چه مشرکان نخواهند.

پیشوای ششم شیعیان در تفسیر این آیه فرمودند: مهدی ما ظهور می کند و دین مقدس اسلام را بر همه ادیان پیروز می گرداند؛ اگر چه دشمنان راضی نباشند.^۱

❖ «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۲ بدانید که خدا زمین را پس از مرگ آن زنده می سازد. به راستی نشانه های - قدرت - خدا را برای شما بیان کردیم؛ باشد که عقل خود را بکار بندید.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: مهدی ما قیام می کند و به وسیله گسترش عدالت در سراسر گیتی، جهان را زنده می کند، پس از آنکه در زیر کابوس ظلم و ستم مرده باشد.

حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) نیز در تفسیر این آیه فرمود: خداوند زمین را به وسیله «عدل و داد» زنده می کند، نه بارش باران.^۳

❖ «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»^۴

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰؛ المحججه، ص ۲۲۷؛ ینابیع الموده، ص ۵۰۸

۲. حدید: ۱۷

۳. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۹۱

۴. آل عمران: ۸۳

۲۰ در انتظار «ولی اعظم»

هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه، تسلیم او شده، به او تسلیم می‌شوند.

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرمود: هنگامی که قائم (علیه السلام) قیام کند، نقطه‌ای در روی زمین نمی‌ماند جز اینکه به یکتایی خدا و رسالت حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) گواهی می‌دهند.^۱

ابن بکیر می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد آیه «لَهُ أَسْلَمَ» پرسیدم، فرمود: در حق قائم (علیه السلام) نازل شده‌است، هنگامی که ظاهر شود، اسلام را بر یهود، نصاری، صابئین، ملحدین، مرتدین، و کافرین شرق و غرب، عرضه می‌کند... تا در شرق و غرب جهان، احدی جز موحد باقی نباشد.^۲

❖ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»^۳ خداوند آن کسانی از شما را که ایمان آورده، و عمل شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که در روی زمین خلافت عطا نماید، چنانکه پیشینیان را خلافت بخشید، و آنان را از دینی که برای آنها پسندیده، متمکن سازد. و آنها را

۱. تفسیر عباشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ بنایع الموده، ص ۵۰۶

۲. تفسیر عباشی، ج ۱، ص ۱۸۳

۳. نور: ۵۵

فصل اول: امام زمان کیست؟ ۲۱

پس از خوف و وحشت به امنیت برگرداند.

امام زین العابدین (علیه السلام) آیه شریفه را تلاوت کرده، فرمودند: به خدا سوگند مقصود از آنها، شیعیان ما اهل بیت است. خداوند آنها را به دست مردی از ما که «مهدی» این امت است، جانشین قرار می‌دهد، متمکن می‌سازد و به امنیت می‌رساند.^۱

نظیر این روایت از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) نیز نقل شده است.^۲

❖ «بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ، إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۳ آنچه از خدا در میان شما باقی مانده است، برای شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید.

مطابق روایات فراوانی، هنگامی که حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) ظهور می‌کند پشت خود را به دیوار کعبه تکیه داده، نخستین چیزی که به زبان می‌آورد، این آیه شریفه است. آنگاه همه آنها که در آنجا گرد آمده‌اند با عنوان «السلامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ» به پیشگاه آن حضرت عرض ادب می‌کنند.^۴

❖ «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۵ و ما اراده کرده‌ایم به آنانکه در روی زمین به ضعف

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۶

۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۲؛ غیبت نعمانی، ص ۱۲۶

۳. هود: ۸۶

۴. نور الابصار، ص ۱۷۲

۵. قصص: ۵

۲۲ در انتظار «ولّی اعظم»

کشیده شده اند، منت نهاده، آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

طبق روایات بی شماری، این آیه دربارهٔ مصلح جهان، حضرت بقیت الله (ارواح العالمین له الفدا) نازل شده که در آخرالزمان قیام کرده، بساط ننگین ظلم و بیدادگری را درهم خواهد پیچید و پرچم عدالت را در سرتاسر جهان به اهتزاز در خواهد آورد و به تکتازی فرعونیان خاتمه خواهد داد.^۱

۲. ویژگی‌های مهدی موعود

۲-۱. امتداد سلسلهٔ پیامبران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : وجود مقدس حضرت بقیه‌الله (ارواح‌انفاده) استمرار حرکت نبوت‌ها و دعوت‌های الهی است، از اول تاریخ تا امروز؛ یعنی همان‌طور که در دعای ندبه می‌خوانید، از «فَبَعْضُ أَسْكَتَهُ جَنَّتِكَ»^۲ - که حضرت آدم است - تا «إِلَى أَنْ أَنْتَهَى الْأَمْرَ»^۳ - که رسیدن به خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هست - و بعد مسئلهٔ وصایت و اهل بیت آن بزرگوار، تا می‌رسد به امام زمان؛ همه، یک سلسلهٔ متصل و مرتبط به هم در تاریخ بشر است.

۱. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۲۰؛ ینابیع الموده، ص ۴۵۰؛ بحار، ج ۵۱، ص ۵۴

۲. اقبال الأعمال، ص ۲۹۷؛ نیز: مفاتیح الجنان، دعای ندبه

۳. همان

فصل اول: امام زمان کیست؟ ۲۳

این، بدین معناست که آن حرکت عظیم نبوت‌ها، آن دعوت الهی به وسیله پیامبران، در هیچ نقطه‌ی متوقف نشده است. بشر به پیامبر و به دعوت الهی و به داعیان الهی احتیاج داشته است و این احتیاج تا امروز باقی است و هر چه زمان گذشته، بشر به تعالیم انبیا نزدیک‌تر شده است. امروز جامعه بشری با پیشرفت فکر و مدنیت و معرفت، بسیاری از تعالیم انبیا را - که ده‌ها قرن پیش از این، برای بشر قابل درک نبود - درک کرده است. همین مسأله عدالت، مسأله آزادی، مسأله کرامت انسان - این حرفه‌هایی که امروز در دنیا رایج است - حرفه‌های انبیاست. آن روز عامه مردم و افکار عمومی مردم این مفاهیم را درک نمی‌کردند. پی‌درپی آمدن پیغمبران و انتشار دعوت پیغمبران، این افکار را در ذهن مردم، در فطرت مردم، در دل مردم، نسل به نسل نهادینه کرده است.

آن داعیان الهی، امروز سلسله‌شان قطع نشده است و وجود مقدس بقیه‌الله‌الاعظم (ارواح‌نافداه) ادامه سلسله داعیان الهی است، که در زیارت آل یاسین می‌خوانید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ»؛ یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیه‌الله مجسم می‌بینید. این بزرگوار، وارث همه آنهاست و دعوت و

پرچم همه آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده‌اند و به بشر عرضه کرده‌اند، فرا می‌خواند؛ این، نکته مهمی است.^۱

۲-۲. خورشید فروزان تاریخ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ سلسله انبیا، پاکترین و مقدس‌ترین و نورانی‌ترین انسانهای تمام تاریخ بوده‌اند. در میان انسانهای پاک و انسانهای والا که دارای روح عرشی و خدایی هستند، وجود مقدس خاتم الانبیا محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) سرآمد همه و خاندان پاک و اهل بیت مطهر او - که قرآن، ناطق به این طهارت و پاکیزگی و آراستگی است - در شمار برترین و بالاترین انسانهای پاک و مطهر و نورانی در همه‌ی تاریخند. زنی مثل فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در همه‌ی تاریخ، کیست؟! انسانی مثل علی مرتضی در سرتاسر تاریخ بشریت، کجا نشان داده می‌شود؟! سلسله اهل بیت نبی اکرم در طول تاریخ، خورشیدهای فروزانی بوده‌اند که در معنا توانسته‌اند بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی، متصل کنند: «السبب المتصل بین الارض و السماء».^۱

خاندان پیغمبر، معدن علم، معدن اخلاق نیکو، معدن ایشار و

۱. اقبال الأعمال، ص ۲۹۷؛ نیز: مفاتیح الجنان، دعای ندبه

فداکاری، معدن صدق و صفا و راستی، منبع همه نیکی‌ها و زیبایی‌ها و درخشندگی‌های وجود آدمی در هر عصر و عهده بوده‌اند؛ هریک چنین خورشید فروزانی بوده‌اند.

یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به عنوان بقیة الله فی ارضه، به عنوان حجة الله علی عباده، به عنوان صاحب زمان و ولی مطلق الهی در روی زمین وجود دارد. برکات وجود او و انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد. امروز هم انسانیت با همه ضعف‌ها، گمراهی‌ها و گرفتاری‌هایش از انوار تابناک این خورشید معنوی و الهی که بازمانده اهل بیت است، استفاده می‌کند.^۲

۲-۳. مظهر صفات و اسماء الهی

رب‌مظہر انقلاب؛ درباره برکات این میلاد معظم و حقایقی که در باب وجود اقدس ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) هست، من قادر نیستم سخن تازه‌ی بگویم. درک مراتب معنوی و حقایق الهی در باب این قطب اعظم عالم امکان و خلیفه خدا و مظهر صفات و اسمای الهی، در حد زبان و بیان و قلب و فهمی همچون من قاصر نیست. خود آنها [اهل بیت (علیهم السلام)] باید درباره امام زمان سخن بگویند؛ همچنان که خود آنها باید درباره علی بن ابی طالب (علیه الصلوة والسلام) و بقیة اولیا و اصفیای دین سخن بگویند.

۲۶ در انتظار «ولی اعظم»

ما همین قدر می دانیم که وجود مقدس امام زمان، مصداق وعده الهی است. همین قدر می دانیم که این بازمانده خاندان وحی و رسالت، علم سرافراز خدا در زمین است. «السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ وَالْفَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعِدَا غَيْرِ مَكْذُوبٍ»^۱. او وعده الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است. او مستوره و نمونه‌ای از اولیا و اصفیا و انبیا و برجسته‌ترین بندگان خداست. او نمایشگر مبلغ فضل الهی^۲ بر بنی آدم است، اینها چیزهایی است که خود آنان بیان فرمودند. اگر ما بتوانیم در حد فهم قاصر و ناقص خودمان، رشحاتی از این گفته‌ها را درک کنیم و بفهمیم، خیلی بُرد کرده‌ایم.^۳

۲-۴. سر «لیله القدر»

اگر سر «لیله القدر» و سر «نزول ملائکه» در شبهای قدر - که الآن هم برای ولی الله اعظم حضرت صاحب (سلام الله علیه) این معنا امتداد دارد - سر اینها را ما بدانیم، همه مشکلات ما آسان می‌شود. تمام مشکلاتی که ما داریم برای این است که، ما محجوبیم از اینکه واقعیت را آن‌طور که هست و نظام هستی را به آن‌طوری که تنظیم شده است، مشاهده کنیم.^۴

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۳؛ نیز: مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین

۲. عالی‌ترین سطح عنایت خداوند

۲-۵. انسان کامل

امام خمینی: «وَ الْعَصْرُ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقِي خُسْرًا»^۱ «عصر» انسان کامل است؛ امام زمان (سلام الله علیه) است. یعنی «عصاره» همه موجودات. قسم به عصاره همه موجودات؛ یعنی قسم به انسان کامل.^۵

۳. نیمه شعبان؛ عید امید

۳-۱. شب و روز نیمه شعبان؛ جای نشین قدر

در بزرگم انقلاب: یکی از مهمترین روزهای سال، روز نیمه شعبان است که هم مصادف با ولادت ذی جود و مسعود حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) شده است و هم شب و روز نیمه شعبان - با قطع نظر از ولادت این بزرگوار در این شب و روز - از لیالی و ایام متبرکند. شب نیمه شعبان، شب بسیار متبرکی است. تالی تلو لیالی قدر و وقت توجه و تذکر و توسل به ذیل عنایات باری تعالی و طلب و درخواست است.^۶

۳-۲. عید حقیقی آزادگان عالم

در بزرگم انقلاب: روز ولادت مهدی موعود ارواحنا لتراب مقدمه الفدا، حقیقتاً روز عید همه انسانهای پاک و آزاده عالم است. فقط

۲۸ در انتظار «وئی اعظم»

کسانی در این روز ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه های ظلم، یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند، و الا کدام انسان آزاده ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند.^۷

۳-۳. عید امید

رَبِّهِمْ الْقَابِ؛ روز نیمه شعبان روز امید است. این امید، مخصوص مجموعه شیعیان یا حتی مخصوص امت مسلمان هم نیست. اصل امید به یک آینده روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه ادیانی است که در عالم سراغ داریم. غیر از حالا دین اسلام و مسیحیت و یهودیت، حتی ادیان هند، بودائی و ادیانی که نامی از آنها هم در ذهن اکثر مردم دنیا نیست، در تعلیمات خود یک چنین آینده ای را بشارت داده اند. این در واقع امید بخشیدن به همه انسانها در طول تاریخ است و پاسخگویی به نیاز انسانها به این امید، که حقیقتی هم با آن بیان شده است.

ادیان الهی و آسمانی - که اغلب این ادیان ریشه های الهی و آسمانی دارند - نخواستند امید واهی به مردم بدهند؛ آنها واقعیتی را بیان کردند. در خلقت بشر و تاریخ طولانی بشریت

حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این است که این ستیزه میان حق و باطل، یک روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهد گرفت و از آن روز به بعد دبای حقیقی بشر، زندگی مطلوب انسان، آغاز خواهد شد که در آنجا ستیزه‌گری مفهوم مبارزه نیست، مبارزه برای تسابق در خیرات است. این یک حقیقتی است که بین همه‌ی ادیان مشترک است.^۸

پیام انقلاب: این عید، مایه امید و درست نقطه مقابل آن فضای یأس آلودی است که استکبار می‌خواهد در مقابل چشم مستضعفان عالم به وجود بیاورد. اگر امروز شما سیاستگذاران و طراحان برنامه‌های استکباری را مشاهده کنید، خواهید دید که از مهمترین کارها و هدفهای آنها یکی این است که در مقابل چشم مردم، فضای یأس آلودی نسبت به اصلاحاتی که باید انجام بگیرد، ایجاد کنند. ملتها باید از صلاح مایوس بشوند، تا حربه استکبار کارگر بیفتد؛ و آلا اگر ملتها امیدوار باشند و امیدوار بمانند، حربه استکبار چندان کارگر نیست. سعی می‌کنند فضای تیره‌یی را در مقابل چشمها ترسیم کنند؛ فضای تیره به این معنا که به ملتها تفهیم کنند که نیروی ذاتی شما، فرهنگ شما، اعتقادات شما، شخصیت و هویت ملی شما، نمی‌تواند برای شما کاری انجام بدهد؛ باید قدرتهای بزرگ به شما کمک کنند تا بتوانید حرکت کنید.

۳۰ در انتظار «وئی اعظم»

درست صدوهشتاد درجه مقابل این فکر، فکر انتظاری است که بر محیط ما و بر محیطهای طرفداران مذهب اهل بیت (علیهم السلام) حاکم است. انتظار، یعنی دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر. ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند - فاصله هست - اما بلاشک آن دوران وجود دارد.

لذا تبریک این عید - که «عید امید» و عید انتظار فرج و گشایش است - درست نقطه مقابل آن چیزی است که دشمن می خواهد به وجود بیاورد.^۹

۳-۴. متفاوت با همه اعیاد!

بیت انقلاب: امروز انیمه شعبان! روز عید واقعی است؛ یعنی روز ولادت، برای همه بشر و تاریخ حتی برای گذشتگان - عید است. کسانی بودند که در دوران تاریک فرعونها و نمرودها و ابوجهلهها و سلاطین ظالم، در فقر و ظلم و تبعیض سر کردند و مُردند و رنج کشیدند و روی خوبی ندیدند؛ امروز برای آنها هم عید است. اگر روح آنها در عالم برزخ، از بعضی از تفضلاتی که پاره‌ای از ارواح برخوردارند، بهره‌مند باشد؛ یقیناً مثل چنین روزی، شادی خواهند کرد.

امروز با بقیه ایام و اعیاد، تفاوت دارد. واقعاً اگر ما امروز را

«عیدالله الاکبر» بنامیم، مبالغه و گزاف نیست.^{۱۰}

ربیع اکبر انقلاب: من توصیه می کنم که این توستلات را - که مردم ما بحمدالله داشته اند و دارند و در سالهای بعد از انقلاب، به فضل پروردگار چندین برابر شده است - هر چه با کیفیت تر ادامه دهند و توجهات و الطاف آن بزرگوار را به سمت خود جلب کنند. آن بزرگوار، حاضر است و از ملت و شیعه خود، جدا و غافل نیست. او، در میان مردم حضور دارد و مردم با توجه و توسل به او، ان شاءالله راه رشد و هدایت و فتح و پیروزی را به دست خواهند آورد.^{۱۱}

۳-۵. اما آیا جشن گرفتن کافی است؟!

ربیع اکبر انقلاب: مسأله ولادت حضرت مهدی علیه الصلوة والسلام و عجل الله تعالی فرجه الشریف، از این جهت هم حائز اهمیت است که مسأله انتظار و دوران موعود را که در مذهب ما، بلکه در دین مقدس اسلام ترسیم شده است - دوران موعود آخرالزمان؛ دوران مهدویت - ما به یاد بیاوریم، روی آن تکیه کنیم و بر روی آن مطالعه و دقت و بحثهای مفیدی انجام گیرد.^{۱۲}

ربیع اکبر انقلاب: این میلاد و این یاد بزرگ باید به ما درس بدهد. احساسات، بسیار خوب است؛ عواطف، پشتوانه بسیاری از اعمال

نیکوی انسانهاست؛ ایمان و عقیده قلبی به وجود این منجی عظیم عالم، شفابخش بسیاری از بیماریها و دردهای معنوی و روحی و اجتماعی است؛ ولی فراتر از همه اینها، ما باید از این یاد، از این خاطره و از این حادثه عظیم، درس بگیریم. هر سال این جشنها برپا می شود و دلها را معطر می کند. اگر درسهای عمیقی که در تجدید این خاطره وجود دارد، برای رفتار ما و عمل ما بتواند یک آموزنده و معلم به حساب آید، یقیناً پیشرفت جامعه ما به سمت کمال، روانتر و سریعتر خواهد شد.^{۱۳}

۴. «موعود» در ادیان و مذاهب مختلف

۴-۱. امید همه بشریت

ربط انقلاب: اصل امید به یک آینده روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه ادیانی است که در عالم سراغ داریم. غیر از حالا دین اسلام و مسیحیت و یهودیت، حتی ادیان هند، بودائی و ادیانی که نامی از آنها هم در ذهن اکثر مردم دنیا نیست، در تعلیمات خود یک چنین آینده ای را بشارت داده اند. این در واقع امید بخشیدن به همه انسانها در طول تاریخ است و پاسخگوئی به نیاز انسانها به این امید، که حقیقتی هم با آن بیان شده است.^{۱۴}

بزرگم آفتاب: امروز وجود مقدس حضرت حجت (ارواحنافداه) در میان انسانهای روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه‌ی خیرات است. چشمهای ناقابل و تیره‌ی ما آن چهره‌ی ملکوتی را از نزدیک نمی‌بیند؛ اما او مثل خورشیدی درخشان است، با دلها مرتبط و با روحها و باطنها متصل است و برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند ولیّ خدا، امام برحق، عبد صالح، بنده برگزیده در میان همه‌ی بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار اوست؛ او را می‌بیند و با او مرتبط است. آرزوی همه‌ی بشر، وجود چنین عنصر والایی است. عقده‌های فروخورده‌ی انسانها در طول تاریخ، چشم به انتهای این افق دوخته است تا انسان والا و برگزیده‌ی او را از برگزیدگان خدا بیاید و تاروپود ظلم و ستم را - که انسانهای شریر در همه‌ی تاریخ تنیده‌اند - از هم بدرد. امروز، هم بشریت بیش از بسیاری از دورانهای تاریخ، دچار ظلم و جور است، هم پیشرفتی که امروز بشریت کرده است، معرفت پیشرفته‌تر است. ما به زمان ظهور امام زمان (ارواحنافداه)، این محبوب حقیقی انسانها نزدیک شده ایم؛ زیرا معرفتها پیشرفت کرده است.

امروز ذهنیت بشر، آماده‌ی آن است که بفهمد، بداند و یقین کند

که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد؛ همان چیزی که همه‌ی پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند، همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه قرآن، وعده آن را به مردم داده است: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ».^۱ دست قدرت الهی به وسیله‌ی یک انسان عرشی، یک انسان خدایی، یک انسان متصل به عالمهای غیبی، معنوی و عوالمی که برای انسانهای کوتاه نگری مثل ما قابل درک و تشخیص نیست، می‌تواند این آرزو را برای بشریت برآورده کند. لذا دلها، شوقها و عشقها به سمت آن نقطه، متوجه و روزبه‌روز متوجه‌تر است.^{۱۵}

ربِّ عظیم القاب: امام زمان (علیه سلام‌الله)، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه‌ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را می‌کشند. البته مسلمانان به صورت مشخص، این انتظار بزرگ را معلوم و تحدید کردند و شیعیان نسبت به شخصی که این لباس بر قامت او دوخته شده است، آگاهیهای روشن و مشخص‌کننده‌ای هم دارند. لذاست که موضوع امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، با این دید، نه مخصوص شیعه و نه حتی مخصوص مسلمین است.

فصل اول: امام زمان کیست؟ ۳۵

بلکه انتظاری در دل همه‌ی قشرهای بشر و ملت‌های عالم است. امیدی است در دل بنی آدم؛ که تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت می‌کند. این امید، به بازوان قوت می‌بخشد، به دل‌ها نور می‌دهد و معلوم می‌کند که هر حرکت عدالتخواهانه‌ای، در جهت قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است.

به همین خاطر است که وقتی ملت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت می‌کنند. بعد از پیروزی انقلاب هم احساس ملت ایران این است که هر حرکت و هر اقدامی؛ هر مبارزه‌ای که کردیم و هر رنجی که تحمل نمودیم، در جهت مقصودی است که میان آحاد بشر و همه‌ی اهل معرفت مشترک است. مقصود، استقرار عدالت، و هدف، رسیدن به عدل برای بشر است. و اسلام این عدل را تأمین می‌کند.^{۱۶}

۴-۲. وعده خدا

بزرگ انقلاب: روز ولادت حضرت مهدی موعود ارواحنا فدا، یک عید حقیقی برای همه‌ی افراد بشر و آن کسانی است که ستمی کشیده‌اند، رنجی برده‌اند، دلشان سوخته است، اشکی ریخته‌اند، انتظاری کشیده‌اند و یا با مشاهده ناملايمات در طول حیات خود و در هر نقطه‌ای از عالم - و حتی در هر نقطه‌ای از تاریخ -

۳۶ در انتظار «ولی اعظم»

مصیبتی تحمل کرده‌اند. همه‌ی آنها در مثل چنین روزی و به یاد امروز، احساس شادمانی و امید و نشاط کرده‌اند. این ولادت بزرگ و این حقیقت عظیم، متعلق به یک ملت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلق به بشریت است. این «میثاق الله الذی أخذہ و وکده»،^۱ میثاق خدا با انسان است. «وعد الله الذی ضمنه»؛^۲ این، وعده‌ی خداست که تحقق آن را ضمانت کرده است. همه‌ی انسانهای طول تاریخ، نسبت به این پدیده‌ی عظیم و شگفت‌آور، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده‌اند؛ چون تاریخ، از اول تا امروز و از امروز تا لحظه‌ی طلوع آن خورشید جهانتاب، با ظلم و بدی و پلیدی آمیخته بوده است. همه‌ی کسانی که از ظلمی رنج برده‌اند - چه آنهایی که به خودشان ظلم شده است و رنج برده‌اند و چه آنهایی که به ستمکشی دیگران نگاه کرده‌اند و رنج برده‌اند - با یاد ولادت این منجی عظیم تاریخ و بشر، در دلشان امیدی به وجود می‌آید.^{۱۲}

۳-۴. تفاوت اعتقاد «مهدویت» شیعه با «موعود» دیگر ادیان و مذاهب

ربیع‌القرن الثالث: همه‌ی ادیان و مذاهب، عقیده دارند که یک منجی و یک

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۳؛ نیز: مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین

۲. همان

فصل اول: امام زمان کیست؟ ۳۷

دست مقتدر الهی، در مقطعی از تاریخ خواهد آمد و در نجات بشر از ظلم و جور، معجزه‌گری خواهد کرد. فرقی که ما شیعیان با دیگران و بقیه فرق اسلامی و غیراسلامی داریم، این است که ما این شخص عظیم و عزیز را می‌شناسیم؛ اسمش را می‌دانیم، تاریخ ولادتش را می‌دانیم، پدر و مادر و آباء و اجداد عزیزش را می‌شناسیم و قضایایش را می‌دانیم؛ ولی دیگران اینها را نمی‌دانند. آنها عقیده پیدا نکردند یا باخبر نشدند و نمی‌دانند؛ ولی ما می‌دانیم. تفاوت این جاست. به همین دلیل است که توستات شیعه، زنده‌تر و پرشورتر و با معناتر و با جهت‌تر است.^{۱۸}

بهرم آنکه انقلاب است؛ فقط مردم شیعه نیستند که منتظر مهدی موعود (سلام‌الله‌علیه) هستند، بلکه انتظار منجی و مهدی، متعلق به همه‌ی مسلمانهاست. فرق شیعه با دیگران این است که شیعیان آن منجی را با نام و نشان، با خصوصیات گوناگون می‌شناسند؛ اما دیگر مسلمانان که به منجی هم معتقدند، منجی را نمی‌شناسند؛ تفاوت، این جاست؛ و آلا اصل مهدویت مورد اتفاق همه‌ی مسلمانهاست. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارند؛ آنها هم در یک بخش از قضیه، مطلب را درست فهمیده‌اند؛ اما در بخش اصلی قضیه که معرفت به شخص منجی است، دچار نقص معرفتند. شیعه با خبر مسلم و قطعی خود، منجی

را با نام، با نشان، با خصوصیات، با تاریخ تولد، می‌شناسد.^{۱۹}

بزرگ انقلاب: خصوصیت اعتقاد ما شیعیان این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است. حقیقت این است که شیعیان وقتی منتظر مهدی موعودند، منتظر آن دست نجات‌بخش هستند و در عالم ذهنیات غوطه نمی‌خورند؛ یک واقعیتی را جستجو میکنند که این واقعیت وجود دارد. حجت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی میکند؛ مردم را می‌بیند؛ با آنهاست؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس میکند. انسانها هم، آنهایی که سعادت‌مند باشند، ظرفیت داشته باشند، در موافقی به طور ناشناس او را زیارت میکنند. او وجود دارد؛ یک انسان واقعی، مشخص، با نام معین، با پدر و مادر مشخص و در میان مردم است و با آنها زندگی میکند. این، خصوصیت عقیده ما شیعیان است...

آنهایی هم که از مذاهب دیگر این عقیده را قبول ندارند، هیچ‌وقت نتوانستند دلیلی که عقل‌پسند باشد بر رد این فکر و این واقعیت، اقامه کنند. همه‌ی ادله روشن و راسخ که بسیاری از اهل سنت هم آن را تصدیق کرده‌اند، به طور قطع و یقین از وجود این انسان والا، این حجت خدا، این حقیقت روشن و تابناک - با

همین خصوصیات که من و شما میشناسیم - حکایت میکند و شما در بسیاری از منابع غیر شیعه هم این را مشاهده میکنید. فرزند مبارک پاکستانهاد امام حسن عسکری (علیه الصلوة و السلام)، تاریخ ولادتش معلوم است، مرتبپینش معلومند، معجزاتش مشخص است و خدا به او عمر طولانی داده است و میدهد. و این است تجسد آن آرزوی بزرگ همه ی امم عالم، همه ی قبائل، همه ی ادیان، همه ی نژادها، در همه ی دوره ها. این، خصوصیت مذهب شیعه در باره این مسئله مهم است.^{۲۰}

۴-۴. نتیجه اعتقاد به «مهدویت»

ربیع بن اخطاب^{۲۱}: در قضیه ولادت آن بزرگوار و اعتقادی که به این حقیقت است، اگر انسان در دو ناحیه و در دو جهت جستجو کند، آثار عظیمی را مشاهده می کند.^{۲۱}

۴-۴-۱. نتایج معنوی و روحی

ربیع بن اخطاب^{۲۱}: اول، از جهت معنوی و روحی و تقرب الی الله و جهات تکامل فردی انسان است. کسی که اعتقاد به این مسأله دارد، چون با مرکز تفضلات الهی و نقطه اصلی و کانون اشعاع رحمت حق، رابطان روحی برقرار می کند، توفیق بیشتری برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب الی الله دارد. به همین

۴۰ در انتظار «ولی اعظم»

خاطر است که اهل معنا و باطن، در توسلات معنوی خود، این بزرگوار را مورد توجه و نظر دائمی قرار می دهند و به آن حضرت توسل می جویند و توجه می کنند. نفس پیوند قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت و قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد می دهد و وسیله پیشرفت انسان را - روحاً و معنأ - فراهم می کند.

این، یک میدان وسیع است. هر کس که در باطن و قلب و دل و جان خود، با این بزرگوار مرتبط باشد، بهره خودش را خواهد برد. البته، توجه به کانون نور، باید توجه حقیقی باشد. لقلقه‌ی زبان در این زمینه، تأثیر چندانی ندارد. اگر انسان، روحاً متوجه و متوسل شد و معرفت کافی برای خود به وجود آورد، بهره‌ی خودش را خواهد برد. این، یک میدان فردی و تکامل شخصی و معنوی است.^{۲۲}

۴-۴-۲. نتایج اجتماعی

بزرگوار انقلاب؛ جهت و وجهی دوم عبارت است از میدان زندگی اجتماعی و عمومی و آن چه مربوط به سرنوشت بشر و ملت‌هاست. در این زمینه، اعتقاد به قضیه مهدی و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه عظیمی است که ملت‌ها می توانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند.

فصل اول: امام زمان کیست؟ ۴۱

شما کشتی‌ای را در یک دریای توفانی فرض کنید! اگر کسانی که در این کشتی هستند، عقیده داشته باشند که اطرافشان تا هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد و آب و نان و وسایل حرکت اندکی داشته باشند، چه کار می‌کنند؟ آیا هیچ تصوّر می‌شود که اینها برای آن که حرکت کنند و کشتی را پیش ببرند، تلاشی بکنند؟ نه؛ چون به نظر خودشان، مرگشان حتمی است. وقتی انسان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشی باید بکند؟ امید و افقی وجود ندارد.

یکی از کارهایی که می‌توانند انجام دهند، این است که در این مجموعه کوچک، هر کس به کار خودش سرگرم شود. آن کسی که اهل آرام مردن است، بخواهد تا بمیرد و آن که اهل تجاوز به دیگران است، حق دیگران را بگیرد تا آن که چند ساعتی بیشتر زنده بماند. طور دیگر هم این است که کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی شان ساحلی وجود دارد. این که آن ساحل دور و یا نزدیک است و چقدر کار دارند تا به آن برسند، معلوم نیست؛ اما قطعاً ساحلی که در دسترس آنهاست، وجود دارد. این افراد چه کار می‌کنند؟ تلاش می‌کنند که خود را به آن ساحل برسانند و اگر یک ساعت هم به آنها وقت داده شود، از آن یک ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت دار، استفاده خواهند برد و فکرشان را روی هم

۴۲ در انتظار «ولی اعظم»

خواهند ریخت و تلاششان را یکی خواهند کرد تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند.

امید، چنین نقشی دارد. همین قدر که امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بالهای خود را جمع می‌کند و کنار می‌رود. امید موجب می‌شود انسان تلاش و حرکت کند، پیش ببرد، مبارزه کند و زنده بماند. فرض کنید ملتی در زیر سلطهٔ ظالمانهٔ قدرت مسلطی قرار دارد و هیچ امیدی هم ندارد. این ملت مجبور است تسلیم شود. اگر تسلیم نشد، کارهای کور و بی‌جهتی انجام می‌دهد. اما اگر این ملت و جماعت، امیدی در دلشان باشد و بدانند که عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، چه می‌کنند؟ طبیعی است که مبارزه خواهند کرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، آن را بر طرف خواهند کرد.^{۲۳}

بزرگ انقلاب: عقیده به امام زمان، نمی‌گذارد مردم تسلیم شوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند. وقتی که این عقیده به طور حقیقی در دلها جا بگیرد، حضور امام غایب در میان مردم حس می‌شود. امام بزرگوار و عزیز و معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه‌ی خلائق، اگر چه غایب است و ظهور نکرده، اما حضور دارد. مگر می‌شود حضور نداشته باشد؟ مؤمن، این حضور را در

دل بخود و با وجود و حواس خویش حس می کند. آن مردمی که می نشینند، راز و نیاز می کنند؛ دعای ندبه را با توجه می خوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه می کنند و می نالند، می فهمند چه می گویند. آنها حضور این بزرگوار؛ را حس می کنند؛ ولو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری نمی زند. ظهور نکرده است؛ اما هم در دلها و هم در متن زندگی ملت حضور دارد. مگر می شود حضور نداشته باشد؟

شیعه خوب کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. این، به انسان امید و نشاط می بخشد. این ملت بزرگ، بیش از همه چیز به همین امید نیاز دارد؛ ملتی که در راه خدا و برای عظمت اسلام، مجاهدت و مبارزه می کند و افتخار طول تاریخ بشر و همه ی تاریخ اسلام شده و پرچم اسلام را در زمان ما به اهتزاز در آورده است. چنین ملتی، بیشتر از همه ی چیز، به همین امید درخشان احتیاج دارد. آن اعتقاد، این امید را به او می بخشد.

... ملتی که به خدا معتقد و مؤمن و متکی است و به آینده امیدوار است و با پرده نشینان غیب در ارتباط است؛ ملتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی می درخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمی شود و با این حرفها، از میدان خارج نمی گردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویت

مهدی (علیه آلاف التحية والثناء) است. عقیده به امام زمان، هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست.^{۲۴}

بزرگ انقلاب؛ جامعه‌یی که به مهدویت معتقد است، قوت قلب پیدا می‌کند. این قوت قلب برای ملت‌ها خیلی مهم است. بدانید تسلط استعمار بر کشورهای اسلامی بعد از آن بود که توی دل ملت‌ها را خالی کردند؛ آنها احساس ضعف کردند؛ احساس عدم توانایی کردند، بعد اینها آمدند و با قدرت بر آنها مسلط شدند.

امروز هم همین جور است. ما در روابط سیاسی و دیپلماسی دنیا داریم جلوی چشم‌مان می‌بینیم که یکی از بزرگ‌ترین شگردهای استکبار جهانی این است که می‌خواهد دل مسؤولان کشورهای گوناگون را - حالا در کشورهای اسلامی - خالی کند و احساس بی‌پشتوانگی به آنها تزریق کند، تا آنها احساس کنند که چاره‌یی ندارند جز این که زیر بار مثلاً امریکا بروند. این احساس ضعف، بلای بزرگی است. ملت‌ها حرکت نمی‌کنند؛ چون احساس ضعف می‌کنند. ملت فلسطین ده‌ها سال ساکت و آرام نشسته بود؛ چون احساس می‌کرد نمی‌تواند. آن روزی که فکر توانستن در ملت فلسطین به وجود آمد، قیام کرد و با این قیام، این‌همه موفقیت را به دست آورده است. رنج می‌برد؛ اما دارد پیش می‌رود.

فصل اول: امام زمان کیست؟ ۴۵

فرق است بین ملتی که حرکتی نمی‌کند، سیلی هم نمی‌خورد؛ اما روزبه‌روز عقب می‌نشیند؛ روزبه‌روز بدبخت‌تر و زیردست‌تر می‌شود، دلش هم خوش است که من سیلی نمی‌خورم، با آن ملتی که سختی راه را تحمل می‌کند، پایش به سنگ می‌خورد، خونی هم می‌شود؛ اما در راه به سمت موفقیت، به سمت سرمنزل سعادت، به سمت عزت، پیش می‌رود. ملت فلسطین امید پیدا کرد، حالا حرکت می‌کند و جلو می‌رود و این حرکت به جلو تا هر وقت که وجود داشته باشد، باعث می‌شود که درهای فرج به روی آنها باز باشد؛ و راه قطعه قطعه طی خواهد شد تا ان شاءالله به هدف نهایی‌شان برسند. احساس ضعف برای یک ملت، خیلی احساس خطرناک و سم مهلکی است. یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان می‌کند؛ احساس قوت قلب می‌کند؛ احساس قدرت می‌کند. و ملت ما بحمدالله این‌گونه است.

ما در جبهه‌های جنگ هم جوان‌های خودمان را می‌دیدیم که به مدد غیبی و به توجه و نظر لطف ولی عصر (ارواحناقداه) اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوت قلب هم استفاده می‌کردند و توانایی مضاعف پیدا می‌کردند و پیش می‌رفتند. البته اعتقاد به کمک غیبی اگر معنایش این است که انسان بیکار بماند، درها را ببندد و منتظر باشد که از غیب کمک بشود، بداند

۴۶ در انتظار «ولی اعظم»

که از غیب هم کمکی نخواهد شد؛ «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلَسَطَمَٰنٌ قُلُوبِكُمْ بِهِ».^۱ کمک غیبی در میدان جنگ، در میدان چالش‌های سیاسی و در ایستادگی ملت‌هاست که به سراغ انسان می‌آید. اگر بایستید، کمک غیبی هم هست.

امروز دنیای استکبار روی نقاط قوت ملت‌ها متمرکز شده، تا آنها را از بین ببرد. البته یک جاهایی موفق می‌شوند، یک جاهایی هم موفق نمی‌شوند. از جمله جاهایی که به حول و قوه الهی موفق نشدند و موفق نخواهند شد، ملت ایران است.^{۲۵}

۴-۵. دلیل تهاجم به اعتقاد «مهدویت»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ همه‌ی عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است. برادران و خواهران عزیز! این نکته بسیار مهمی است. توجه بفرمایید که ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم!

... در مورد ماجرای اعتقاد به مهدی موعود - یعنی این که در آخرالزمان از خاندان پیامبر، شخصی ظهور می‌کند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پر می‌سازد و تبعیضها، ظلمها، سوءاستفاده‌ها و فاصله‌های طبقاتی را از بین می‌برد - نیز خیلی کار کرده‌اند.

این عقیده که همه‌ی مسلمانان هم به آن معتقدند، مخصوص

فصل اول: امام زمان کیست؟ ۴۷

شیعه نیست. البته در خصوصیات و جزئیاتش، بعضی فرقی، حرفهای دیگری دارند؛ اما اصل این که چنین دورانی پیش خواهد آمد و یک نفر از خاندان پیادبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُنِنْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۱ بین مسلمانان متواتر است. همه، این را قبول دارند. خوب؛ این عقیده از آن عقاید بسیار کارگشاست که من مختصری راجع به آن عرض خواهم کرد. به دلیل همین که کارگشاست، دشمنان از یک طرف و البته دوستان نادان هم از طرف دیگر بر آن می تازند. گاهی دوستان نادان، از روی نادانی و بر اثر بی توجهی، کاری می کنند که هیچ دشمن دانی به آن خوبی نمی تواند ضربه بزند!

حال بحث ما در مورد دشمنان داناست که سراغ این عقیده آمدند. من سندی را دیدم که مربوط به دهها سال قبل؛ یعنی اوایل ورود استعمار به شمال آفریقا است. کشورهای شمال آفریقا، گرایش بسیاری به اهل بیت دارند. مذهبشان هر مذهبی از مذاهب اسلامی که هست باشد؛ اما محبّ اهل بیتند. در کشورهای سودان و مغرب و غیره عقیده به مهدویت خیلی پُررنگ است. آن زمان که استعمار وارد مناطق مذکور شد - که

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸

ورود استعمار به آن مناطق در قرن گذشته است - یکی از مسائلی که مزاحم استعمار شد، عقیده به مهدویت بود! در سندی که من دیدم، بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می کنند که ما باید کاری کنیم که عقیده به مهدویت، بتدریج از بین مردم زایل شود! آن روز استعمارگران فرانسوی و انگلیسی در بعضی کشورهای آن مناطق افریقایی بودند - فرقی نمی کند که استعمار از کجا باشد - استعماران خارجی، قضاوتشان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویت در بین این مردم رایج است، ما نمی توانیم کشورهايشان را درست در اختیار گیریم!^{۲۶}

بزرگم انقلاب: چند خصوصیت در عقیده مهدویت هست که این خصوصیات برای هر ملتی، به منزله خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، امید است. گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملت‌های ضعیف را به جایی می رسانند که امیدشان را از دست می دهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمی کنند؛ می گویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است؛ با چه کسی در بیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش کنیم؟ ما که دیگر نمی توانیم! این، روح ناامیدی است. استعمار این را می خواهد. امروز استکبار جهانی مایل است که

ملت‌های مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران، دچار روح ناامیدی شوند و بگویند: دیگر نمی‌شود کاری کرد؛ دیگر فایده‌ای ندارد! ... آن وقت اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدس مهدی موعود ارواحنافداه، امید را در دل‌ها زنده می‌کند. هیچ‌وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی‌شود. چرا؟ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد؛ برو برگرد ندارد. سعی می‌کند که خودش را به آن برساند.^{۲۷}

پیغمبر انقلاب : می‌خواهند این را به زور در مردم تزریق کنند. ما که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم، به عیان می‌بینیم که اغلب خبرهایی که تنظیم می‌کنند، برای مایوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مایوس کنند، متدینین را از گسترش دین مایوس کنند، آزادی‌طلبان و علاقه‌مندان به مسائل فرهنگی و سیاسی را از امکان کار سیاسی، یا کار فرهنگی مایوس کنند و آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته‌اند، تیره و تار جلوه دهند! برای چه؟ برای این که جوشش و امید را از این مجموعه انسانی که با امید کار می‌کند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل کنند، تا بتوانند هر کاری که مایلند انجام دهند! با یک ملت زنده که نمی‌توانند هر کاری بخواهند، انجام دهند. به یک جسم بی‌هوش

۵۰ در انتظار «ولی اعظم»

مدهوش بی‌حسی که کنجی افتاده است، هر کس هرچه دلش خواست، می‌تواند تزریق کند؛ با آن هر کاری می‌توانند بکنند؛ اما با یک موجود سر حال زنده باهوش متحرکِ فعال که نمی‌توانند هر کاری را انجام دهند!

... امروز هر نفسی و هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمد و به صدا درآید بدانید که در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، متعلق به دشمن است. چه صاحب این قلم بداند، چه نداند، دشمن از او استفاده می‌کند.

... البته وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، می‌کوشند آن را در ذهنهای مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند امام زمان می‌آید و همه‌ی کارها را درست می‌کند؛ این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور محرکی به یک چوب لای چرخ است؛ تبدیل کردن یک داروی مقوی، به یک داروی مخدر و خواب‌آور است.^{۲۸}

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مثل همان سرنشینان یک کشتی توفان زده، همیشه گرفتار مشکلاتی

فصل اول: امام زمان کیست؟ ۵۱

از سوی قدرتمندان و ستمگران و قوی‌دستان و مسلطین بر امور انسانی‌های مظلوم بوده است. امید، موجب می‌شود که انسان به مبارزه بپردازد و راه را باز کند و پیش برود. وقتی به شما می‌گویند انتظار بکشید، یعنی این وضعیتی که امروز رنجتان می‌دهد و دلتان را به درد می‌آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان حیات و نشاط پیدا می‌کند! این، نقش اعتقاد به امام زمان (صلوات الله علیه و ارواحنا فداه) است. این، نقش اعتقاد به مهدی موعود است. این عقیده است که شیعه را تا امروز، از آن همه پیچ و خمهای عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله پرچم عزت و سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شیعه ایران است. هر جا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد.

به همین خاطر، یکی از اساسیترین کارهای استعمار و استکبار و ایادی آن، این بوده است که عقیده امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند. بارها خواسته‌اند این چراغ را خاموش کنند؛ ولی نتوانسته‌اند. ما می‌دانیم که استعمار و استکبار، چه تلاشی را در این جهت - نه فقط در ایران؛ بلکه در سطح دنیای اسلام - انجام داده است تا این چراغ را خاموش کند.^{۲۹}

در **بزرگ انقلاب**؛ در گزارش بسیار مهمی که مربوط به سالها قبل است و جدید نیست، تلاش گروههای تبلیغی مسیحیت که از اروپا به سمت شمال آفریقا اعزام می شدند تا جاده استعمار را در آن جا صاف کنند، نشان داده شده بود. یکی از غصه‌های دینداران دنیا این است که قدرتمندان مسلط بر کشورهای مسیحی، تبلیغ علی الظاهر دین مسیح در سطح دنیا را وسیله‌ای برای پیش بردن ماشین استعمار قرار دادند و اینها جاده صاف کن استعمار شدند. گروههای تبلیغی و به اصطلاح تبشیری را به عنوان تبلیغ مسیحیت - که ظاهرش تبلیغ مسیحیت بود؛ اما باطن قضیه این بود که راه را باز کنند تا استعمارگران اروپایی از کشورهای مختلف اروپای آن روز، وارد کشورهای اسلامی شوند و قدرت سیاسی را قبضه کنند - به اطراف دنیا فرستادند و متأسفانه در بسیاری از جاها هم موفق شدند.

این گزارش، مربوط به گروههای تبلیغی در شمال آفریقا است. گزارشگر می‌نویسد: «یکی از مشکلات ما در سر راه تبلیغ مسیحیت و پیشرفت استعمار در شمال آفریقا و منطقه تونس و مغرب این است که این مردم اعتقاد دارند که مهدی موعود خواهد آمد و اسلام را سربلند خواهد کرد». گزارشگر، این را در گزارش رسمی خود می‌نویسد و برای هیأتی که مسؤول رسیدگی

به این کارهاست، می‌فرستد.

بنابراین، نفس اعتقاد به مهدی موعود، باعث ایجاد مشکل برای استکبار و استعمار شده بود؛ در حالی که اعتقادی که برادران ما در آن مناطق دنیا دارند، به روشنی و وضوح اعتقادی که ما امروز در این جا داریم نیست؛ بلکه بیشتر ابهامات و کلی‌گویی وجود دارد تا تعیین مصداق و مورد و نام و خصوصیات. درعین حال، استعمارگران از این امید ترسیدند.^{۳۰}

رسول اعظم انقلاب؛ در همین کشور خود ما، یکی از بزرگان علما و روحانیون محترمی که امروز بحمدالله در میان ما هستند و برکات وجود ایشان باز هم شامل حال مردم می‌شود، برای من نقل می‌کردند که در اوایل روی کار آمدن رژیم منحوس و فاسد و وابسته پهلوی، آن کودتاگر بی سواد فاقد هر گونه معرفت و معنویت،^۱ یکی از آخوندهای وابسته به دربار را صدا کرد و از او پرسید این قضیه امام زمان چیست که چنین مشکلاتی برای ما درست کرده است؟! آن آخوند هم بر طبق دل و میل او، جوابی می‌گوید و آن قلدر هم مأموریت می‌دهد که بروید مسأله را حل و تمام کنید و این اعتقاد را از دل مردم بیرون بیاورید! او می‌گوید: این کار آسان نیست و خیلی مشکلات دارد و باید کمک کم کم و

با مقدمات شروع کنیم. البته آن مقدمات به فضل پروردگار و با هشیاری علمای ربّانی و آگاهان این کشور، در آن دوران ناکام ماند و نتوانستند آن نقشه شوم را عملی کنند. در کشور ما، یک کودتاجی غاصب، از طرف دستگاههای قدرت استعماری مأموریت داشت که بیاید ایران را قبضه کند و کشور را دو دستی تحویل دشمن دهد و برای آن که بتواند بر این مردم مسلط شود، یکی از مقدمات لازم این بود که عقیده به مهدی موعود را از ذهن مردم پاک کند.^{۳۱}

۴-۶. آفات و خرافات تهدیدکننده «عقیده به مهدویت»

در بزرگ‌ترین انقلاب؛ البته مثل همه‌ی حقایقی که در برهه‌های مختلفی از زمان ملعبه‌ی دست سودجویان میشود، این حقیقت [مهدویت] هم گاهی ملعبه‌ی دست سودجویان میشود.

این کسانی که ادعاهای خلاف واقع میکنند - ادعای رؤیت، ادعای تشرف، حتی به صورت کاملاً خرافی، ادعای اقتدای به آن حضرت در نماز - که حقیقتاً ادعاهای شرم‌آوری است، اینها همان پیرایه‌های باطلی است که این حقیقت روشن را در چشم و دل انسانهای پاک‌نهاد ممکن است مشوب کند. نباید گذاشت.

همه‌ی آحاد مردم توجه داشته باشند این ادعاهای اتصال و ارتباط و تشرف به حضرت و دستور گرفتن از آن بزرگوار، هیچ

فصل اول: امام زمان کیست؟ ۵۵

کدام قابل تصدیق نیست. بزرگان ما، برجستگان ما، انسانهای باارزشی که یک لحظه‌ی عمر آنها ارزش دارد به روزها و ماه‌ها و سالهای عمر امثال ما، چنین ادعاهائی نکردند. ممکن است یک انسان سعادت‌مندی، چشمش، دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارک روشن شود، اما یک چنین کسانی اهل ادعا نیستند؛ اهل گفتن نیستند؛ اهل دکان‌داری نیستند. این کسانی که دکان‌داری میکنند به این وسیله، انسان میتواند به طور قطع و یقین بگوید اینها دروغگو هستند؛ مفتری هستند. این عقیده‌ی روشن و تابناک را بایستی از این آفت اعتقادی دور نگه داشت.^{۳۲}

رهبر معظم انقلاب: در مبارزه‌ی با خرافات شجاع باشید. البته «خرافه چیست؟» خود این مهم است. بعضیها هستند که حقایق دینی را هم به عنوان خرافه انکار می‌کنند. ما کاری با آنها نداریم.

آنچه که با کتاب و سنت متقن و معتبر ثابت شده، از دین است؛ چه حالا عقول بپسندند یا نپسندند. از این حمایت و دفاع کنید. آنچه که با دلیل معتبر ثابت نشده است و با مبانی و اصول دینی معارضه ندارد، درباره‌ی آن ساکت بمانید. آنچه که با یکی از اصول دینی معارضه دارد و مدرک معتبری ندارد، ردش کنید. این می‌شود خرافه، و معیار خرافه این است.

امروز شما ببینید «مدعیان ارتباط با امام زمان» و ارتباط با

غیب، با شکل‌های مختلف در جامعه دارند کار می‌کنند. البته این همه نشانه‌ی این است که گرایش به دین، یک عنصر اصلی در زندگی مردم است. مردم به مسائل دینی علاقه دارند که آدم خرافه ساز می‌رود خرافه درست می‌کند؛ چون آن کالای اصلی در اختیارش نیست، کالای تقلبی را به میدان می‌آورد تا اینکه مردم را جذب کند. این نشانه‌ی گرایش مردم به دین است. اما خوب، این خطرناک است. در مقابله با خرافات و آن چیزهایی که از دین نیست، شجاع باشید و بگویید. ملاحظه‌ی اینکه حالا ممکن است کسی بدش بیاید یا ممکن است چه بکنند، نکنید؛ که غالباً در مواردی انسان متأسفانه می‌بیند که این مراعاتها هست.^{۳۳}

فصل دوم:

ویژگی‌های دوران ظهور

رَبِّكُمْ انْقَابَتْ؛ باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید؛ دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد؛ دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعالتر و خلاقتر و آفریننده‌تر است؛ دورانی که ملتها با یکدیگر نمی‌جنگند؛ دستهای جنگ‌افروز عالم - همانهایی که جنگهای منطقه‌یی و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند - دیگر نمی‌توانند جنگی به راه بیندازند؛ در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست؛ باید برای آن دوران تلاش کرد.

قبل از دوران مهدی موعود، آسایش و راحت‌طلبی و عافیت نیست. در روایات، «وَاللّٰهُ لَتَمَخَّصَنَّ» و «وَاللّٰهُ لَتَغْرِبَنَّ»^۱ است؛ بشدت

۱. «وَاللّٰهُ لَتَمَيِّزَنَّ وَاللّٰهُ لَتَمَخَّصَنَّ وَاللّٰهُ لَتَغْرِبَنَّ كَمَا يُغْرِبُ الزُّوَانُ مِنَ الْقَمَحِ»؛ حضرت ابی جعفر محمد بن علی (امام باقر) علیه السلام میفرمود: بخدا قسم حتما باید تمیز یابید بخدا قسم حتما باید پاک شوید بخدا قسم حتما باید غریب شوید همان طور که گندم را از زوآن (دانه‌ای است که غالباً با خوشه گندم می‌رویید و مانند گندم است ولی از آن کوچکتر است و خواب آور) غریب میکنند. (الغیبة للنعمانی، ص ۲۰۵)

امتحان می شوید؛ فشار داده می شوید. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود، در میدانهای مجاهدت، انسانهای پاک امتحان می شوند؛ در کوره های آزمایش وارد می شوند و سربلند بیرون می آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (ارواحنافداه) روزبه روز نزدیکتر می شود؛ این، آن امید بزرگ است.^{۳۴}

امام خمینی: در زمان حضرت صاحب (سلام الله علیه) حکومت واحد می شود. قدرت حکومت... عدالت، یک عدالت اجتماعی در همه عالم می آید؛ اما نه اینکه انسانها بشوند یک انسان دیگر! انسانها همانها هستند که یک دسته شان خوباند، یک [دسته] بد. منتها آنهایی که بد هستند، دیگر نمی توانند که کارهای خلاف بکنند.^{۳۵}

۱. عدالت

۱-۱. اهمیت عدالت

پیغمبر انقلاب: آنچه مسلم است، همه ی پیغمبران و اولیا برای این آمدند که پرچم توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه ها یا ارکان توحید،

فصل دوم: ویژگی‌های دوران ظهور ۵۹

نبودن ظلم و نبودن بی‌عدالتی است. لذا شما می‌بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران است. انسانهای والا در طول تاریخ در این راه تلاش نموده‌اند و بشریت را روزبه‌روز به سمت فهمیدن این حقیقت که عدالت، سرآمد همه‌ی خواسته‌های انسانی است، نزدیک کرده‌اند.^{۳۶}

ربط عظم انقلاب؛ نظام اسلامی، نظام عدالت است. شما که آرزومند و مشتاق ظهور خورشید مهدویت در آخرالزمان هستید و الان حدود هزار و دویست سال است که ملت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف و جعلنا الله فداه) است، چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر می‌کنید؟ «الذی یملاً الله به الارض قسطاً و عدلاً». نمی‌گویید که «یملاً الله به الارض دیناً». این، نکته‌ی خیلی مهمی است. چرا به این نکته توجه نمی‌کنیم؟ اگر چه قسط و عدل متعلق به دین است، اما هزار سال است که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا می‌کند. این نظام اسلامی به وجود آمده است؛ اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل می‌خواهیم. کارهای گوناگون - مبارزه، جنگ، سازندگی، توسعه - را برای قسط و عدل می‌خواهیم؛ برای این که

در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسانها می‌توانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست آورند. قسط و عدل، یک مقدمه واجب برای کمال نهایی انسان است.^{۳۷}

۱-۲. ویژگی‌های عدالتی که با ظهور امام زمان به وجود

می‌آید

امام عجل الله فرجه؛ هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند. حتی رسول ختمی (صلی الله علیه و آله و سلم) که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا، و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد.

نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش این ایجاد عدالت است در انسان. اگر اخلاقش اخلاق

فصل دوم: ویژگی‌های دوران ظهور ۶۱

منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافات و کجی‌هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان.^{۳۸}

امام خمینی: وقتی که ایشان ظهور کنند- ان شاء الله خداوند تعجیل کند در ظهور او- تمام بشر را از انحطاط بیرون می‌آورد، تمام کجی‌ها را راست می‌کند: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جَوْرًا».^۱ همچو نیست که این عدالت، همان [باشد] که ماها از آن می‌فهمیم؛ یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکند؛ آن، این هست؛ اما خیر! بالاتر از این معناست.

معنی «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جَوْرًا»^۲ الآن زمین و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود، پر از جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست. حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست و لو خودش نداند. در اخلاقها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند انحرافش معلوم است. و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجیها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعاً صدق بکند «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا

۱. تاویل الایات الظاهره، ص ۳۷۵

۲. همان

مُلِّتًا جَوْرًا»^۱. از این جهت، این عید، عید تمام بشر است بعد از اینکه آن اعیاد، اعیاد مسلمین است. این عید، عید تمام بشر است.^۲

۱-۳. عدالت؛ برجسته‌ترین شعار مهدویت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت. مثلاً در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار می‌کنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهرش، اولین جمله‌ای که ذکر می‌کنیم، این است: «این المعذة لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامة الامت و العوج، این المرتجی لأزالة الجور و العدوان»^۳؛ یعنی دل بشریت می‌تپد تا آن نجاتبخش بیاید و ستم را ریشه‌کن کند؛ بنای ظلم را - که در تاریخ بشر، از زمانهای گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد - ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشانند. این اولین درخواست منتظران مهدی موعود از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر می‌کنید، یکی از برجسته‌ترین آنها این است که «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِّتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۴. انتظار این است که او همه‌ی عالم -

۱. همان

۲. اقبال الأعمال، ص ۲۹۷؛ نیز: فاتیح الجنان، دعای ندبه

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸

فصل دوم: ویژگی‌های دوران ظهور ۶۳

نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. در روایاتی هم که درباره آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود، در درجه اول، انتظار استقرار عدالت است.

درد بزرگ بشریت، امروز همین مسأله‌ی فقدان عدالت است. همیشه دستگاه‌های ظلم و جور در سطح دنیا به شکل‌های مختلف بر مردم جفا کرده‌اند؛ بشریت را زیر فشار قرار داده‌اند و انسانها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده‌اند؛ اما امروز این معنا از همیشه تاریخ بیشتر است و رفع این را انسان از ظهور مهدی موعود می‌طلبد و انتظار می‌برد. بنابراین، مسأله، مسأله طلب عدالت است.^{۴۰}

پیغمبر انقلاب : ما وقتی می‌گوییم منتظر امام زمان هستیم، بیشترین خصوصیتی که برای امام زمان ذکر می‌کنیم، این است که «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً»؛^۱ نمی‌گوییم: «یملأ الله دیناً و صلوة و صوما». با این که آن هم هست و قسط و عدل در چارچوب دین، بهترین و بیشترین تحقق را پیدا می‌کند، لیکن معلوم می‌شود که این عدل، یک مصرع بلند درخواستهای انسان است.^{۴۱}

پیغمبر انقلاب : اگر کسی تصور کند که ممکن است دین الهی و واقعی

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸

۶۴ در انتظار «ولی اعظم»

- نه فقط دین اسلام - تحقق پیدا کند، ولی در آن عدل اجتماعی به معنای صحیح و وسیع آن تحقق پیدا نکرده باشد، باید بداند که اشتباه می‌کند. هدف پیامبران، اقامه‌ی قسط است: «لَيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». ^۱ اصلاً پیامبران آمدند تا اقامه‌ی قسط کنند. البته، اقامه‌ی قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی نیست؛ لیکن آنها که آمدند، کار اولشان این است که اقامه‌ی قسط کنند و مردم را از شر ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند. هدف حکومت ولی‌عصر (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) در آخر زمان هم باز همین عدل است.

وقتی شما روایات مربوط به امام زمان (عج) و همچنین دعاها و زیارت‌های مربوط به ایشان را می‌خوانید، می‌بینید که روی چه چیزی تکیه می‌شود: «وانت الّذی تملأ الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً». کلمه «بعد» در یکی دو دعا بیشتر نیست. من یک وقت در نماز جمعه گفتم که «تملاً الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» را در جایی پیدا نکردم. گفتم: به جز دو جا، در روایات «کما ملئت ظلماً و جوراً» آمده است. یکی از آن دو جا زیارت غیر معتبری است و دیگری که زیارت نسبتاً خوبی است، سند درستی ندارد. «سلام الله الكامل التام...»، آن جا هم «بعد ما

ملت ظلما و جورا» است. در همه‌ی این روایات و دعاها، مسأله‌ی آمدن امام زمان(عج) معتل به این شده که آن بزرگوار بیاید و در دنیا قسط و عدل بیاورد. اصلاً مشکل دنیا در این است که قسط و عدل نیست. مشکل دنیا روزبه‌روز هم زیادتر می‌شود.^{۴۲}

۱-۴. راه استقرار عدالت؛ نصیحت یا مبارزه؟

پیغمبر انقابت: ... درس دیگری که اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه شعبان باید به ما بدهد، این است: عدالتی که ما در انتظار آن هستیم - عدالت حضرت مهدی (علیه السلام) که مربوط به سطح جهان است - با موعظه و نصیحت به دست نمی‌آید؛ یعنی مهدی موعودِ ملتها نمی‌آید ستمگران عالم را نصیحت کند، که ظلم و زیاده‌طلبی و سلطه‌گری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه‌ی عالم مستقر نمی‌شود. استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن‌طور که آن وارث انبیا انجام خواهد داد - و چه در همه بخش‌های دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمی‌شود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد. آغاز دعوت پیغمبران الهی با زبان نصیحت است؛ اما بعد از آن که توانستند طرفداران خود را گرد

۶۶ در انتظار «ولی اعظم»

آورند و تجهیز کنند، آن گاه با دشمنان توحید و دشمنان بشریت، با زبان قدرت حرف می‌زدند.^{۴۳}

پیغمبر انقلاب؛ شما ببینید در همین آیه کریمه قرآن که راجع به قسط صحبت می‌کند و می‌گوید خدای متعال همه پیغمبران را فرستاد، «لیقوم الناس بالقسط»؛ برای این که قسط و عدالت را در جامعه مستقر کنند، بلافاصله می‌فرماید: «وانزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس»؛ یعنی پیغمبران علاوه بر این که با زبان دعوت سخن می‌گویند، با بازوان و سرپنجه‌گان قدرتی که مجهز به سلاح هستند و با زورگویان و قدرت‌طلبان فاسد، معارضه و مبارزه می‌کنند.^{۴۴}

پیغمبر اکرم وقتی به مدینه آمد و نظام اسلامی را تشکیل داد، آیات قرآن را بر مردم می‌خواند، به گوش دشمنان هم می‌رسانید؛ اما به این اکتفا نمی‌کرد. کسانی که طرفدار عدالت هستند، در مقابل زورگویان و زیاده‌طلبان و متجاوزان به حقوق انسانها باید خود را به قدرت مجهز کنند. لذا شما می‌بینید از روزی که نظام اسلامی به وجود آمد - یعنی اسلام مجهز به قدرت یک ملت بزرگ و امکانات یک کشور و دولت بزرگ شد - دشمنان اسلام، حرکت اسلام را جدی گرفتند و علاقه‌مندان و طرفداران اسلام هم در اطراف و اکناف عالم امیدوار شدند.

فصل دوم: ویژگی‌های دوران ظهور ۶۷

بسنپاری از پیغمبران در میدان مبارزه و جهاد مقدس و قتال قدم می‌گذاشتند: «وَ كَأَيُّ مَنِ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبُّونَ كَثِيرٌ»^{۴۵}.

امام خمینی: اسلام با خون رشد پیدا کرد. دین‌های بزرگ پیامبران سابق و دین بسیار بزرگ اسلام در عین حالی که یک دستشان به کتابهای آسمانی و برای هدایت مردم، دست دیگر به اسلحه‌ها بود. ابراهیم خلیل سلام الله علیه با یک دست صحف را داشت و با دست دیگر تبر برای سرکوبی بت‌ها. موسی کلیم سلام الله علیه با یک دست تورات را داشت و با دست دیگر تبر برای سرکوبی بت‌ها. که فرعونیان را به خاک مذلت کشاند، عصایی که ازدها بود، عصایی که خیانتکاران را می‌بلعید. پیغمبر بزرگ اسلام با یک دست قرآن را داشت و با دست دیگر شمشیر، شمشیر برای سرکوبی خیانتکاران و قرآن برای هدایت. آنها که قابل هدایت بودند، قرآن راهنمای آنها بود و آنهایی که هدایت نمی‌شدند و توطئه‌گر بودند، شمشیر بر سر آنها.^{۴۶}

پیغمبر اعظم: کسانی که خیال می‌کنند اسلام باید برود و در گوشه‌ای بنشیند و مردان اسلام و دین فقط زبان نصیحت را به کار گیرند، اینها دانسته یا ندانسته، همان چیزی را می‌گویند که مراکز قدرت جهانی آن را می‌خواهند و آرزو می‌کنند. مراکز

۶۸ در انتظار «ولی اعظم»

قدرت استکباری از این که رهبران اسلامی در گوشه‌ای از دنیا بنشینند و گاهی پیامی بدهند و یک کلمه حرفی بزنند - همچنان که رهبران مسیحی در هر قضیه‌ای پیامی می‌دهند، نصیحتی می‌کنند و جمله‌ای می‌گویند - هیچ ترسی ندارند؛ می‌دانند این خطری برای آنها نیست. از این که ملت‌های مسلمان بیدار شوند و تشکیل حکومت دهند؛ از این که ایمان اسلامی آحاد مردم در قالب یک نظام و یک دولت و یک حکومت تجسم پیدا کند، واهمه دارند و می‌ترسند. نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین قدم را در این راه برداشت و به برکت مجاهدت جوانان و مردان و زنان مؤمن و فداکار این ملت، اسلام در دنیا به عنوان یک قدرت ظاهر شد. هرچه این قدرت بتواند خود را مستقرتر و پایدارتر کند، نظم ظالمانه و شیطانی دنیا بیشتر تهدید می‌شود.^{۴۷}

۲. از بین رفتن همه اختلافات

ام‌خمینی: وقتی که امام زمان (سلام الله علیه) ظهور کند، این اختلافات از بین می‌رود و همه برادروار با هم هستند. دیگر زورمند و... زورکشی در کار نمی‌ماند.^{۴۸}

۳. هدایت همگانی

امام خمینی: تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد ان شاء الله، و ظلم و جور را از تمام روی زمین بر می‌دارند به همان معنای مطلقش. از این جهت، این عید، عید بسیار بزرگی است که به یک معنا از عید ولادت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) که بزرگترین اعیاد است، این عید به یک معنا بزرگتر است.^{۴۹}

بزرگ انقلاب: زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان است که خدا می‌داند بشر در آن جا به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد. بنابراین، اگر ادامه حکومت پیامبر میسر می‌شد و در همان دوره‌های اول پدید می‌آمد و تاریخ بشریت عوض می‌شد، فرجام کار بشری مدت‌ها جلو می‌افتاد؛ اما این کار به دلایلی نشد.^{۵۰}

۴. مردم‌سالاری در حکومت امام زمان

بزرگ انقلاب: حکومت آینده حضرت مهدی موعود ارواحنا فدا، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمانها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها [ای] دنیا را پُر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار

۷۰ در انتظار «ولی اعظم»

می‌بخشد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل می‌دهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومت‌های مدعی مردمی بودن و دمکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

آنچه امروز در دنیا اسم دمکراسی و مردم‌سالاری را روی آن گذاشته‌اند، همان دیکتاتوریه‌های قدیمی است که لباس جدید بر تن کرده است؛ یعنی دیکتاتوری گروه‌ها. اگر رقابت هم وجود دارد، رقابت بین گروه‌هاست و مردم در این میان هیچ‌کاره‌اند. یک گروه به قدرت دست پیدا می‌کند و در سایه قدرت سیاسی‌ای که همه زمام‌های امور را در کشور در اختیار او می‌گذارد و با سوءاستفاده از این قدرت، ثروت و پول و سرمایه به نفع خود گردآوری می‌کند و آنها را در راه به دست آوردن دوباره قدرت مصرف می‌کند.

دمکراسی‌های امروز دنیا بر پایه تبلیغات دروغ و فریبنده و مسحور کردن چشم‌ها و دل‌هاست. امروز در دنیا هر جا شعار دمکراسی می‌دهند، شما ببینید برای تبلیغات کاندیداهای ریاست جمهوری و یا نمایندگان مجلس چه کار می‌کنند! پول خرج می‌کنند. دمکراسی در پنجه اقتدار پول اسیر است. «مردم‌سالاری امام زمان» - یعنی مردم‌سالاری دینی - با این روش، به کلی متفاوت است.^{۵۱}

فصل سوم:

مفهوم انتظار فرج

در **معجزات انقلاب**؛ این که در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال امت، انتظار فرج است، یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه)، مگر چه مضمون و چه معنایی در بطن خود دارد که این قدر دارای فضیلت است.^{۵۲}

در **معجزات انقلاب**؛ یک بُعد، این است که انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. «انتظار داریم»، یعنی هرچه خیر و عمل خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیر کافی است و منتظریم، تا ظرفیت نیکی عالم پر بشود.

یک بُعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی این که تفکر الهی - این اندیشه روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است - یک روز سراسر زندگی بشر را فرا خواهد گرفت.

یک بُعد انتظار این است که منتظر، با شوق و امید حرکت بکند. انتظار، یعنی امید. انتظار، ابعاد گوناگون دیگری هم دارد.^{۵۲}

۱. قانع نشدن به وضع موجود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ امروز شما به اوضاع دنیا نگاه کنید، همان چیزی که در روایات مربوط به ظهور ولی عصر (ارواحنا فداه) وجود دارد، امروز در دنیا حاکم است؛ پر شدن دنیا از ظلم و جور. امروز دنیا از ظلم و جور پر است. در روایت و ادعیه گوناگون و زیارات مختلف مربوط به ولی عصر (ارواحنا فداه) دارد که «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛^۱ همچنانیکه یک روزی همه‌ی عالم از ظلم و جور پر بوده است - در روزگارانی ظلم و جور، وضع حاکم بر بشر بوده است - همانطور خدای متعال در زمان او عدل و داد را وضع حاکم بر بشریت قرار خواهد داد. امروز همین است؛ امروز ظلم و جور حاکم بر بشریت است. زندگی بشر امروز زندگی مغلوب و مقهور دست ظلم و استبداد در همه‌ی دنیا است. در همه جا این جور است. بشریت، امروز بر اثر غلبه ظلم، غلبه اغراض و هواهای نفسانی دچار مشکلات فراوانند. دو میلیارد گرسنه در دنیای امروز، وجود میلیون‌ها انسانی که در نظام‌های طاغوتی مغلوب هوای نفس قدرتمندان طاغوتی هستند، حتی

فصل سوم: مفهوم انتظار فرج ۷۳

فشار بر مؤمنین و مجاهدین فی سبیل اللّٰه و مبارزان راه حق و ملتی مثل ملت ایران که توانسته است در یک مجموعه محدودی، در یک فضای معینی، پرچم عدل و داد را بلند بکند و فشار بر مجاهدان فی سبیل اللّٰه، همه نشانه سیطره ظلم و جور بر دنیاست. این، انتظار فرج را با وضعیت کنونی زندگی انسان در دوره‌های مختلف معنا میکند.^{۵۴}

ربِّ عظیم القلوب؛ امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت گستری بیاید و این غلبه ظلم و جور را که همه‌ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند. این نیازِ همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پیله خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه میکند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد. این معنای انتظار است. انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجودِ زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت بن الحسن، مهدی صاحب زمان (صلوات اللّٰه علیه و عجل اللّٰه فرجه و ارواحنا فداه) تحقق پیدا خواهد کرد. باید خود

۷۴ در انتظار «ولی اعظم»

را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای
آنچنان شرائطی مجاهدت کند، آماده کنیم.^{۵۵}

بزرگمقاله؛ یک نکته در باب مسئله مهدویت این است که شما در
آثار اسلامی، در آثار شیعی، می بینید که از انتظار ظهور حضرت
مهدی تعبیر شده است به انتظار فرج. فرج یعنی چه؟ یعنی
گشایش. کی انسان انتظار فرج دارد؟ انتظار گشایش دارد؟ وقتی
یک فروبستگی ای وجود داشته باشد، وقتی گرهی هست، وقتی
مشکلی هست. در زمینه وجود مشکل، انسان احتیاج پیدا میکند
به فرج؛ یعنی سرانگشت گره گشا؛ بازکننده عقده‌های فروبسته.
این نکته مهمی است.^{۵۶}

بزرگمقاله؛ معنای انتظار فرج - به عنوان عبارة آخرای انتظار ظهور
- این است که مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت (علیهم
السلام) وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره
در زندگی بشر می‌شناسد. واقع قضیه هم همین است. منتظر
است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت
گشایش پیدا بکند. مسئله، مسئله گره در کار شخص من و
شخص شما نیست. امام زمان (علیه الصلاة و السلام) برای اینکه
فرج برای همه بشریت به وجود بیاورد، ظهور می‌کند که انسان را
از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه بشریت را نجات بدهد؛ بلکه

تاریخ آینده بشر را نجات بدهد.

این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیر عادلانه، این نظم بشری ای که در آن انسانهای بیشماری مظلوم واقع میشوند، دل‌های بیشماری گمراه میشوند، انسانهای بیشماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمی‌کنند، مورد رد و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسانها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است.^{۵۷}

۲. دلگرمی نسبت به آینده جهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ انتظار، چیز عجیبی است و دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مایوس نبودن است. همین روح انتظار است که به انسان تعلیم می‌دهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنی ندارد. انتظار واقعی، با اطمینان و اعتماد ملازم است. کسی که شما می‌دانید خواهد آمد، انتظارش را می‌کشید و انتظار کسی که به آمدنش اعتماد و اطمینان ندارید، انتظاری حقیقی نیست. اعتماد، لازمه انتظار است و این هر دو، ملازم با امید است

۷۶ در انتظار «ولّی اعظم»

و امروز این امید، امری لازم برای همه ملت‌ها و مردم دنیا می‌باشد.^{۵۸}

ربِّ عِزِّ الْعَالَمَاتِ: انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌یی است. یک انتظار، انتظارِ فرجِ نهایی است؛ یعنی این که بشریت اگر می‌بیند که طواغیت عالم ترک‌تازی می‌کنند و چپاولگری می‌کنند و افسارگسیخته به حق انسانها تعدی می‌کنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور کند که بالاخره چاره‌یی نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بداند که این وضعیت یک وضعیت گذراست - «لِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ»^۱ - و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل؛ و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم‌ها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج مصداق‌های دیگر هم دارد.^{۵۹}

ربِّ عِزِّ الْعَالَمَاتِ: انتظار، یکی از پُربرکت‌ترین حالات انسان است؛ آن هم در انتظار دنیایی روشن از نور عدل و داد. «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»^۲ خدای متعال به دست او، سرزمین بشری و همه روی

۱. غرر الحکم، حدیث ۱۰۲۴

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸

زمین را از عدالت و دادگستری پُر خواهد کرد. انتظار چنین روزی را باید داشت. نباید اجازه داد که تصرف شیطان‌ها و ظلم و عدوان طواغیت عالم، شعلهٔ امید را در دل خاموش کند. باید انتظار کشید.^{۶۰}

بر بزرگم انتظارت؛ همه‌ی مسلمانان، حقیقت‌مهدی موعود را از طریق روایات خدشه‌ناپذیری که از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اولیای دین رسیده است، قبول دارند؛ اما این حقیقت در هیچ جای جهان اسلام، مثل محیط زندگی ملت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهرهٔ درخشان و این روح پُرتپش و پُرامید را ندارد؛ این به خاطر آن است که ما به برکت روایات متواترهٔ خودمان، شخص مهدی موعود را با خصوصیاتش می‌شناسیم. مردم ما ولی الله اعظم و جانشین خدا در زمین و بقیهٔ اهل بیت پیامبر را با نام و خصوصیات می‌شناسند؛ از لحاظ عاطفی و فکری با او ارتباط برقرار می‌کنند؛ به او می‌گویند؛ به او شکوه می‌برند؛ از او می‌خواهند و آن دوران آرمانی - دوران حاکمیت ارزشهای والای الهی بر زندگی بشر - را انتظار می‌برند؛ این انتظار دارای ارزش زیادی است. این انتظار به معنای آن است که وجود ظلم و ستم در عالم، چشمهٔ امید را از دل‌های منتظران نمی‌زداید و خاموش نمی‌کند. اگر این نقطهٔ امید در زندگی جمعیتی نباشد،

چاره‌ی ندارد جز این که به آینده بشریت بدبین باشد.

این ظلم عظیم مسلط بر عالم، این سلطه های ناحق، این زورگویی به ملتها در سطح جهان، این ریختن خونهای بناحق، این پایمال کردن شریفترین و عزیزترین ارزشهای انسانی، این دروغها و تزویرهایی که سردمداران استکبار جهانی هر روز تحویل بشریت می دهند، این همه بدی، این همه استثمار و ظلم، انسانی را که چشمه امید در دل نداشته باشد، به طور طبیعی مأیوس می کند؛ لذاست که شما می بینید نسل جوان در کشورهای غربی، به سوی پوچی کشانده می شوند. نسل جوانی که به سنتها خو نگرفته است و خود را پایبند سنتها نکرده است، وقتی که این نابسامانی محیط زندگی بشریت را می بیند، ناامید می شود؛ لذا به سمت پوچی کشیده می شود. بسیاری از دختران و پسران در کشورهای غربی، به سمت بیهودگی و بی اعتنایی به مظاهر زندگی و پوچی و غرقه شدن در شهواتِ آنی کشیده می شوند؛ این بر اثر یأس است؛ بسیاری از دانشمندان و نویسندگان و سخنگویان بشریت به این حالت دچار می شوند؛ اما آن ملتی که به آینده امید دارد، می داند که روزگار ظلم و ستم و زورگویی و تجاوز و طغیان و استکبار، با همه ی حجم عظیمی که امروز در جهان به وجود آورده است، یک روزگار تمام شدنی است و دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره حق، همه ی قله های فساد و ظلم را از بین

خواهد برد و چشم انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد؛ معنای انتظار دوران امام زمان این است.^{۶۱}

رهبر عظیم انقلاب؛ ... یک درس از این درسها این است که همه بدانند و همه اذعان و باور کنند که حرکت عالم به سمت صلاح و به سمت آفاق روشن است. مستکبران عالم هرچه می خواهند، بگویند؛ تظاهر به قدرت نمایی بکنند؛ اما لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش می برد، روزبه روز در حال افزایش یافتن است. گذشت سالها نمی تواند این امید را در دلها از بین ببرد یا کم فروغ کند که در آینده - که امیدواریم آن آینده چندان دور نباشد - همه ی آحاد بشر طعم عدالت را به معنای واقعی کلمه خواهند چشید. حقانیت آن دولت الهی و حکومت ربوبی در زمین در این است که همه ی آحاد بشر سهم خود را از معرفت حقیقت و عمل به حقیقت خواهند گرفت. قدرتمندان و مستکبران و زورگویان و زراندوزان و زورمداران عالم هرچه تلاش کرده اند و بکنند، نخواهند توانست این حرکت و این رفتار طبیعی بشر را به سمت صلاح متوقف کنند. البته در کار خدا در زمین طفره نیست و کارها بر طبق روال طبیعی انجام می گیرد؛ اما طبیعت و فطرت عالم این است؛ که به سمت کمال برود و می رود.^{۶۲}

۳. تلاش امیدوارانه

رسول اکرم ﷺ؛ انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجهه همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان (علیه الصلوة و السلام) هستیم. اینکه انتظار نیست!

انتظار چیست؟ انتظار دست قاهرِ قدرتمندِ الهیِ ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطرهٔ ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بندهٔ واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود. تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست.

انتظار معنایش این است. انتظار حرکت است؛ انتظار سکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران، که توانسته‌اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی کمر

فصل سوم: مفهوم انتظار فرج ۸۱

بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصلوة والسلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن. آن انقلاب بزرگ تاریخی برای آن هدف انجام خواهد گرفت. و او عبارت است از ایجاد عدل و داد، زندگی انسانی، زندگی الهی، عبودیت خدا؛ این معنای انتظار فرج است.^{۶۳}

در بزم انتظار: وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است. فرج، یعنی این؛ فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار، فرج می‌آموزد و تعلیم می‌گیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی‌شود کرد؛ نه، وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه‌ی انسانهاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه‌ی انسانهاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم می‌شود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست.

نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی این که دست روی

دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه‌ی زمینه‌ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه قرآنی است که: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» یا «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».^{۶۴} یعنی هیچ‌وقت ملت‌ها و امت‌ها نباید از گشایش مایوس شوند.

۳-۱. انقلاب اسلامی و انتظار فرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ ما ملتی منتظر هستیم؛ ملتی که به امید پیشرفت و موفقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفق شد. ما امروز برای انتظار، باید باب خصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند. «ما منتظریم»، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پرشده است، در سایه تلاش و فعالیت بی‌وقفه ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و

انجام خواسته و هوی و هوس خود، پیدا نخواهد کرد. این روشنایی، در دیدگاه ما نسبت به آینده وجود دارد.

ما ملت ایران باید به این معنای انتظار، بیش از گذشته تکیه کنیم؛ چون دنیای بشری، به انتظاری که ما داریم، محتاج است. این امیدی که در دل ملت ایران وجود داشت و در سایه آن توانست این کارهای بزرگ را انجام بدهد، ملتهای ضعیف و مظلوم دنیا، امروز به این امید احتیاج دارند؛ آنها هم باید این امید را پیدا کنند. اگر پیدا کردند و نور امید در دل ملتها تابید، کارهای دنیا اصلاح خواهد شد و مشکل ملتهای مظلوم، اگر نگوییم به صورت کامل، به صورت معتناهی - ولو در طول چند سال - حل خواهد شد. اما اگر این امید، در دلها نتابد و همان طوری که شیطانها خواستند مردم مایوس باشند، ملتها مایوس بمانند، روزبه روز وضع بدتر خواهد شد.^{۶۵}

امام خمینی؛ انقلاب در راه هدف الهی و استقرار حکومت الله، همان است که انبیا عظام در راه آن فداکاریها نمودند و پیامبر عظیم الشان اسلام تا آخرین لحظات زندگی پر برکت خود در راه آن با همه توان، فداکاری و ایثار فرمود و امامان بزرگوار اسلام هر چه داشتند، نثار آن کردند.^{۶۶}

ربیع بن خضیم؛ کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم

یاد داده بودند که انتظار، یعنی این که شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفسد را برطرف نماید!

انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را، یا کمرنگ کرد و یا از بین برد. پس بحمدالله این معنا، امروز در ذهن جامعه ما نیست. اما معنای صحیح انتظار، دارای ابعاد است که توجه به این ابعاد، برای کسی که می داند در فرهنگ اسلام و شیعه، چه قدر به انتظار اهمیت داده شده، بسیار جالب است.^{۶۷}

بزرگ انقلاب: امام یک وقتی فرمودند بعضی منتظرند که دنیا پر از ظلم و جور بشود، تا امام زمان بیاید. بعد ایشان فرمودند دنیا امروز پر از ظلم و جور است، مگر نمی بینید در دنیا چه می گذرد؟ مگر نمی بینید با ملت ها چه می شود؟ مگر نمی بینید با انسانیت چه جوری دارد رفتار می شود؟ مگر نمی بینید عدالت چگونه بکلی در انزواست؟ نمونه های فراوان هرروزه همیشگی همه جایی این ظلم و جور را انسان دارد در دنیا مشاهده می کند. نظام جمهوری اسلامی فریاد رسا و بلند و متکی به تفکری است که در قبال این حرکت عظیم و وحشیانه و کورانه بلند شده؛ یک چنین مسئله ای است.

این که گاهی از بعضی زبان‌ها شنیده می‌شود - که درست است - که ما با نظام مسلط بر دنیا چالش داریم و مسئله داریم، یک واقعیت است. طبیعت اسلام این است؛ «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ». ^۱ این معنای اسلام است. یعنی ایمان بالله به تنهایی کافی نیست؛ کفر به طاغوت، مقدمه‌ی صحت و صداقت و قبولی ایمان بالله است. کفر به طاغوت یعنی چه؟ یعنی همین نظام‌های سلطه موجود در دنیا.

این معنایش این نیست که جمهوری اسلامی ایران حالا تفنگ دست گرفته است که راه بیفتد این طرف و آن طرف، با نظام‌های دنیا بجنگد؛ نه، این که خیلی ساده لوحانه است. بحث بر سر مطرح شدن یک فکر نو، یک راه نو در مقابل بشر است؛ مثل دعوت انبیاء. دعوت انبیاء همین جور است؛ «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ» ^۲.

اصل قضیه در دعوت انبیاء، تبلیغ است؛ برسانند. این «رساندن»، راه‌های مختلفی دارد، یکی از بهترین راه‌های این است که یک مجموعه مبتنی بر این تفکر به وجود بیاید و بتواند نشانه‌های بارز این تفکر را در خودش جمع کند و آن را در مقابل جهانیان بر سر دست بلند کند. این کاری که جمهوری اسلامی

۱. بقره: ۲۵۶

۲. احزاب: ۳۹

در صدد است بکند، این است.

یک نظام اسلامی عادلانه مبتنی بر تفکرات اسلامی به وجود بیاوریم، این را بلند کنیم سر دست بگیریم، به دنیا نشان بدهیم. هیچ لزومی ندارد که لشگرکشی به جایی انجام بگیرد، یا نسبت به نظام‌های گوناگون با تحرک نظامی به شکل‌های مختلف برخورد شود؛ مطلقاً لازم نیست. همین کافی است که این را نشان بدهیم.^{۶۸}

رهبر معظم انقلاب؛ شعارهایی که امام زمان (علیه‌الصلاة والسلام و عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد، امروز شعارهای مردم ماست؛ شعارهای یک کشور و یک دولت است. این خودش یک گام بسیار بلندی به سوی اهداف امام زمان است. روزی شعار توحید، شعار معنویت و شعار دینداری، در دنیا منسوخ شده بود؛ سعی کرده بودند به طور کلی آن را به دست فراموشی سپارند؛ اما امروز در این منطقه‌ی عالم، این شعارها، شعارهای رسمی حکومت است؛ شعارهای رسمی اداره‌ی کشور و احاد ملت است؛ علاوه بر این، این شعارها آرزوی ملت‌های مسلمان در بسیاری از کشورهای دنیاست؛ و این شعارها یک روز تحقق پیدا خواهد کرد.^{۶۹}

رهبر معظم انقلاب؛ ملت، اسلام و انقلاب و نظام خود را دوست دارد...

انقلاب پرچم عزت این ملت است و ملت این پرچم را در دست استوار خود محکم نگه خواهد داشت و به فضل پروردگار تسلیم امام زمان (ارواحنا فداه و عجل الله فرجه) خواهد کرد.^{۷۰}

بزرگ انقلاب؛ قدرتمندان، دنیا را پر از ظلم می‌خواهند. گرچه به زبان نمی‌آورند؛ اما عملشان گواه آن است. ظلم می‌کنند، برای این که منافع خودشان را تأمین کنند. ما با ظلم و قلدری مخالفیم. ما برای استقرار قسط و عدل قیام و تلاش کرده ایم و باز هم این ملت در همین راه تلاش خواهد کرد. حرکتی که برای قسط و عدل است بر حرکتی که در مقابل قسط و عدل ایستاده است، پیروز خواهد شد. در این، شکی نیست. دنیا به سمت عدل و قسط حرکت می‌کند و معنای امام زمان و انتظار فرج همین است. انتظار فرج یعنی این که در سرنوشت بشریت، یک فرج بزرگ هست و ما به سمت آن فرج پیش می‌رویم. از چه بترسیم؟ چرا بترسیم؟ چرا تردید کنیم؟ چرا اطمینان خودمان را از دست بدهیم؟ دستورات اسلام، چراغ راهنمای ماست. آنچه را که میراث گرانبهایی از اسلام است، در دست داریم. مجموعه گفتار امام، که متخذ از اسلام است، میراثی گرانبها و دستاوردی عظیم است که چراغ راه ماست.

ما معتقدیم که ملت‌های مسلمان، در هر نقطه از دنیا که

هستند، اگر تصمیم بر ایستادگی برای اسلام و نصرت آن داشته باشند، پیروز خواهند شد. اساس قضیه این است که مسلمانان در هر نقطه از عالم که هستند، باید تصمیم بگیرند از عدالت دفاع کنند، از عدالت بگویند، در مقابل ظلم بایستند و از اسلام - اسلامی که طرفدار مظلومین و ضعفاست - دفاع کنند. قدرتمندان عالم که بر همه جا مسلطند، خودشان قدرتشان را افسانه‌ای جلوه داده‌اند. واقعیت قدرت آنها با آنچه که دارند خیلی متفاوت است. اگر امریکا از آن قدرتی که ادعا و تلقین می‌کند برخوردار بود، امروز باید از مبارزات فلسطین اثری دیده نمی‌شد. اما می‌بینید که مبارزات مردم فلسطین، روزبه‌روز پیش می‌رود. فلسطینیهایی که در این سرمای زمستان از خانه و کاشانه خود بیرون رانده شده‌اند، مشکلترین مشکل را برای رژیم صهیونیست غاصب به وجود آورده‌اند. اینها قوی هستند و غالب خواهند شد؛ به شرط این که صبر کنند. اسرائیلیهای غاصب و خبیث، با این عمل، اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند و خودشان را در محظوری چند جانبه گذاشته‌اند. امروز از هر طرف حرکت کنند، شکست می‌خورند و ضربه می‌بینند. امروز هر کار که بکنند با شکست مواجه می‌شود. اگر فلسطینیها را برگردانند، شکست خورده‌اند. نگهشان بدارند، شکست خورده‌اند. اعدامشان کنند، شکست خورده‌اند. زندانی‌شان کنند، شکست خورده‌اند. البته شرطش این

است که مبارزین فلسطینی خسته نشوند؛ مقاومت کنند و بایستند و از سخن خود برنگردند. دشمن، آسیب پذیر است. همه‌ی دشمنانی که با ملتها مبارزه می‌کنند، آسیب‌پذیرند.^{۷۱}

رهبر عظیم انقلاب؛ کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت می‌کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده‌ی دفاع از ارزشها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام است، می‌تواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می‌بازند و زانوانشان سست می‌شود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر می‌اندازد، انجام دهند؛ اینها چطور می‌توانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.^{۷۲}

رهبر عظیم انقلاب؛ آن روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه‌ی بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت می‌کند. این نور امید است که جوان‌ها را

۹۰ در انتظار «ولی اعظم»

به انگیزه و حرکت و نشاط و ادار می‌کند و از دل‌مردگی و افسردگی آنها جلوگیری می‌کند و روح پویایی را در جامعه زنده می‌کند. این، نتیجهٔ انتظار فرج است. بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود. اجازه ندهید یأس بر دل شما حاکم بشود، انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج، محقق خواهد شد؛ مشروط بر این که شما انتظارتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد، تلاش باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد.^{۷۳}

فصل چهارم: وظایف منتظران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ ما آن وقتی می توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان طور که عرض کردم، فرموده‌اند: «وَاللَّهِ لَتَمَخَّصَنَّ» و «وَاللَّهِ لَتَغْرِبَنَّ»^۱ این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی عصر (ارواحنا فداه) با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید؛ ملت بزرگ ما این یک قدم را برداشتند.^{۲۴}

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ زمینه‌ها وقتی آماده شد؛ آن وقت که معلوم شد در

۱. «وَاللَّهِ لَتَمَخَّصَنَّ وَ اللَّهُ لَتَغْرِبَنَّ كَمَا يَغْرِبُ الزُّوَانُ مِنَ الْفَمِّ»؛ حضرت ابی جعفر محمد بن علی (امام باقر) علیه السلام میفرمود: بخدا قسم حتماً باید تمیز یابید بخدا قسم حتماً باید پاک شوید بخدا قسم حتماً باید غریب شوید همان طور که گندم را از زوآن (دانه‌ای است که غالباً با خوسه گندم می‌روید و مانند گندم است ولی از آن کوچکتر است و خواب آور) غریب میکنند. (الغیبة للنعمانی، ص ۵-۲)

مقابل قدرت مادی مستکبران عالم، زمینه‌ی این وجود دارد که
 آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند، آن روز، روز
 ظهور امام زمان است؛ آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت
 به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه‌ی دل‌های مستعد را که
 در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند و آن وقت دیگر
 قدرتهای ستمگر، قدرتهای زورگو، قدرتهای متکی به زر و زور
 نتوانند حقیقت را - آن چنانی که قبل از آن همیشه کرده‌اند - با
 فشار زر و زور خود به عقب بنشانند یا مکتوم نگه‌دارند.

شما مردم عزیز - بخصوص شما جوانان - هرچه که در صلاح
 خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیتها در وجود
 خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیکتر خواهید کرد.
 اینها دست خود ماست.

اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد
 شد؛ همچنان که شهدای ما با فدا کردن جان خودشان آن روز را
 نزدیک کردند. نسلی که برای انقلاب آن فداکاریها را کردند، با
 فداکاریهای خودشان آن آینده را نزدیکتر کردند. هرچه ما کار
 خیر و اصلاح درونی و تلاش برای اصلاح جامعه انجام دهیم، آن
 عاقبت را دائماً نزدیکتر می‌کنیم.^{۲۵}

۱. برقراری رابطه قلبی با امام زمان

پیغمبر انقلاب: ارتباط قلبی یکایک مردم مؤمن با مقام ولایت عظمی و ولی الله اعظم، یکی از برکاتی است که از مشخص بودن مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عقیده مردم ما ناشی می شود. ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی و این که کسی خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد، شخص مهدی را هم می شناسیم و نام و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و کیفیات غیبت و اصحاب نزدیک و حتی بعضی از کیفیات هنگام ظهور او را نیز می دانیم. اگرچه آن شخصیت درخشان و خورشید تابان را در بیرون و محیط زندگی خود نمی بینیم و او را تطبیق نمی کنیم، اما معرفت به حال او داریم.^{۷۶}

پیغمبر انقلاب: رابطه بین شیعیان ... با مقام ولایت و مهدی موعود، یک رابطه دایمی است و چه قدر خوب و بلکه لازم است که یکایک ما، قلباً هم این رابطه را با توجه و توسل و حرف زدن با آن حضرت حفظ کنیم. طبق همین زیاراتی که وارد شده و بعضاً مأثور است و به احتمال زیاد به خود معصوم (علیه السلام) مستند می باشد، این رابطه قلبی و معنوی بین احاد مردم و امام زمان (عج) یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دایم در دل انسان زنده نگه می دارد.^{۷۷}

امام خمینی: می‌تواند انسان خودش را تشخیص بدهد که از اولیای شیطان است یا از اولیای خداست؛ ما خودمان می‌توانیم اعمال خودمان را تشخیص بدهیم. قبل از اینکه این نامه اعمال ما برای پیشگاه خدا و قبل از آن برای پیشگاه امام زمان (سلام الله علیه) برسد، خودمان باید نظر کنیم به این نامه اعمالمان، یعنی صفحه قلبمان، که همه چیز درش نقش می‌شود همان صورت نامه اعمال است. خودمان بفهمیم چه کاره هستیم. آیا ما در این کاری که به ما محول است، با صداقت، صمیمیت، برای صلاح ملت و برای صلاح اسلام کار می‌کنیم؟ چه من که یک طلبه هستم و کارهای طلبگی می‌کنم و شما که در مخابرات هستید و کارهای مخابراتی می‌کنید، یا آنهایی که در میدان جنگ هستند، همه باید خودمان تشخیص بدهیم چه می‌کنیم.^{۷۸}

امام خمینی: شما الآن تکلیف دارید. شما الآن تحت نظر هستید. تحت نظر خدا هستید. تحت نظر امام زمان (سلام الله علیه) هستید. شما را مراقبت می‌کنند. نامه اعمال شما را به امام زمان عرضه می‌دارند، هفته‌ای دو دفعه - به حسب بعضی روایات - عرضه می‌دارند نامه اعمال ما را. باید متوجه باشید مبادا از این اختیاراتی که حالا پیدا کردید... به برادران خودتان تعدی کنید.^{۷۹}

امام خمینی: خلاف ما برای امام زمان سرشکستگی دارد. دفاتر را

فصل چهارم: وظایف منتظران ۹۵

وقتی بردند خدمت ایشان و ایشان دید شیعه‌های او - خوب، شما شیعه او هستید، ما شیعه او هستیم - شیعه او دارد این کار را می‌کند، این ملائکه الله که بردند پیش او دید، سرشکسته می‌شود امام زمان، بیدار بشوید که مسئله خطرناک است!^{۸۱}

رب‌عظم انقلاب: ان شاء الله همه‌ی شما و همه‌ی ما، هم این توفیق را پیدا کنیم که روزی در رکاب آن بزرگوار باشیم، برای خدا تلاش و مجاهدت کنیم، در مقابل چشم آن بزرگوار، در راه خدا جانمان را از دست بدهیم و به فیض شهادت برسیم - که بزرگترین شرف و افتخار است - و هم تا قبل از ظهورشان، در زمان غیبت، خدای متعال توفیق دهد که ما سربازان آن بزرگوار، متوسل و متذکر آن بزرگوار باشیم و انس و رابطه قلبی و روحی با آن بزرگوار برقرار کنیم. اگر شما از این طرف انس داشتید، از آن طرف هم جلب توجه، جلب تذکر و جلب لطف و محبت خواهد شد. امیدواریم ان شاء الله همه‌ی مشکلات، همه‌ی موانع و همه‌ی سختیها و رنجها، به برکت این ارتباط طرفینی، با فضل الهی و با دست قدرت پروردگار از بین برود.^{۸۱}

۲. کسب آمادگی برای سربازی امام زمان

امام حسین: ما باید در این‌طور روزها و در این‌طور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت. من

نمی‌توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم؛ بزرگتر از این است. نمی‌توانم بگویم که شخص اول است؛ برای اینکه دومی در کار نیست.

ایشان را نمی‌توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که مهدی موعود است. آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر. و ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم ان شاء الله به زیارت ایشان، طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاههایی که الآن به کار گرفته شده‌اند در کشور ما- و امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا بکند- باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی (سلام الله علیه).^{۸۲}

ربِّرم انقلاب؛ «امام زمان می‌آید انجام می‌دهد» یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنافداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، والا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی‌العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود.

فصل چهارم: وظایف منتظران ۹۷

چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه الصلوة والسلام) در زمان خودش؛ در همان مدت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیباییها و درخشدگیهایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر اکرم درباره او - نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟ خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! «قتل فی محراب عبادته لشدة عدله».

تاوان عدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند. زمینه را زمینه دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف‌آرایی کردند کسانی بودند که زمینه‌های دینیشان زمینه‌های مستحکم و ماده غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این طور فاجعه به بار می‌آورد! آن وقت اگر امام زمان (علیه الصلوة والسلام) در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد.^{۸۳}

امام خمینی رحمته الله؛ و من امیدوارم که در این عید سعید مردم به تمام معنا جشن بگیرند و خودشان را مهیا کنند از برای زیارت امام زمان (سلام الله علیه) و ان شاء الله همه موفق باشند و همه قشرها این معنا را بدانند.^{۸۴}

بزرگوار انقلاب: درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه شعبان برای من و شما این است که هر چند اعتقاد به حضرت مهدی (ارواحنا فداه) یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد - یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن - نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم.

سربازی امام زمان، کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. عده‌ای این اعتقاد را وسیله‌ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می‌دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، بعکس؛ ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. شنیده‌اید، در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و بدین معناست که انسان از لحاظ علمی و فکری و

فصل چهارم: وظایف منتظران ۹۹

عملی باید خود را بسازد و در میدان‌های فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشد.^{۸۵}

رَبِّعَظَمِ انْقِلَابِ؛ بزرگترین وظیفه منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند.^{۸۶}

۳. اصلاح کشور برای اهدا به محضر امام زمان

رَبِّعَظَمِ انْقِلَابِ؛ ... ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (علیه الاف التحیه و الثناء و عجل الله تعالی فرجه) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آن‌گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.^{۸۷}

اِمَامِ خَمِیْنِ؛ من امیدوارم که ان شاء الله، این روحیه قوی‌ای که در این کشور هست، این روحیه اسلامی و توحیدی که در این کشور هست، باقی باشد. این کشور را ما به صاحب اصلی او، امام زمان (سلام الله علیه) تحویل بدهیم. ان شاء الله، به خدمت ایشان همه، ان شاء الله همه، برسیم و کشور را و ملت را تسلیم ایشان بکنیم.^{۸۸}

امام خمینی: صاحب این مملکت امام زمان (سلام الله علیه) است و شما با دل محکم مشغول کارتان بشوید و از هیچ... مسئله‌ای نترسید.^{۸۹}

امام خمینی: مملکت، امروز مال خود شماست. دیروز اجانب در آن تصرف داشتند؛ امروز یک مملکتی است اسلامی؛ یک مملکتی است مال پیغمبر اسلام؛ یک مملکتی است مال امام زمان (سلام الله علیه). مملکت از آن وجود مقدس است، و ما همه پاسداران آن هستیم و باید این مملکت را حفظ کنیم. هر کس به هر اندازه‌ای که می‌تواند... مملکت مال خودتان است الآن. همان طوری که با عائله خودتان رفتار می‌کنید، محبت نسبت به عائله خودتان دارید، نسبت به کشور خودتان داشته باشید، نسبت به برادرهای خودتان داشته باشید. اینها برادر شما هستند، و ملت برادر هم هست.^{۹۰}

امام خمینی: امید است که خداوند متعال آن روز فرخنده را به ظهور این مولود فرخنده هر چه زودتر فرا رساند و خورشید هدایت و امامت را طالع فرماید. و اکنون ما منتظران مقدم مبارکش مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغلبازی بپرهیزیم و رضای خداوند متعال را در نظر

فصل چهارم: وظایف منتظران ۱۰۱

بگیریم و همگان در مقابل قانون خاضع باشیم و با صلح و صفا و برادری و برابری به پیشبرد انقلاب اسلامی کوشا باشیم.^{۹۱}

امام خمینی: ان شاء الله، خداوند ایمان همه ما را زیاد کند... و این تحویلی که در ایران هست ان شاء الله، باقی باشد. و تا ظهور امام زمان، این ملت بتواند این کشور را به طور شایسته تحویل ایشان بدهد، ان شاء الله.^{۹۲}

رهبر عظم انقلاب: امروز شما موظفاید و باید این نظام را حفظ کنید، آن هم پیراسته، سالم، به شکل خالص و به همان شکلی که بشود آن را به ولی عصر (ارواحنافداه) تحویل داد. این، وظیفه بزرگ شما جوانهای مومن است.^{۹۳}

۴. خدمت به مردم و اسلامی کردن کشور

امام خمینی: ما همه انتظار فرج داریم، و باید در این انتظار، خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است، و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند، و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود.^{۹۴}

امام خمینی: شرط مهم این است که ما این عنایت خدا و آن دعای خاص ولی عصر (روحی فداه) را حفظ کنیم که حفظ آن خدمت به بندگان خداست... امیدوارم همه با هم باشیم و به مردم خدمت کنیم.^{۹۵}

امام خمینی^{ره}: به ما این وعده را داده‌اند که در یک وقتی که امام زمان (سلام الله علیه) ظهور کند، این اختلافات از بین می‌رود و همه برادروار با هم هستند. دیگر زورمند و... زورکشی در کار نمی‌ماند. ما امیدواریم یک قدری از این مطلب را، یک ورقی از این مطلب را، بتوانیم آن قدری که قدرت داریم اجرا کنیم.^{۹۶}

امام خمینی^{ره}: ما اگر بخواهیم رژیممان اسلامی باشد و این ادعایی که می‌کنیم که ما مُسْلِم هستیم و ما طرفدار اسلام هستیم و طرفدار رژیم اسلامی هستیم، باید این قدم را هم برداریم که مهم‌تر از این قدم است که محتوای یک مملکتی اسلامی باشد. هر جایش برویم در مملکت اسلامی رفتیم، نه اینکه وقتی رفتیم بازار، ببینیم بازار همان بازار و همان رباخوری و همان اجحاف و همان گرانفروشی بی‌جا و همان‌ها، و بعد هم فریاد می‌کند که اسلام! بعد هم چراغانی می‌کنند! خیال می‌کنند با این می‌شود امام زمان را بازی داد! نمی‌شود.

تا یک نوری در قلب ما پیدا نشود فایده ندارد. هر چه هم از این اعمال بکنیم، اعمال است. از این اعمال همه می‌کنند، باید این اعمال بشود؛ نه اینکه اینها نشود، این اعمال بشود؛ [اما باید] پیوند با قلب داشته باشد؛ با قلبمان یک کاری کنیم که این عمل را قلب ما آورده باشد.^{۹۷}

لطف و نوازش‌ها دیده‌یم... اما نشناختیم!

ربیع‌الاول: ملت ایران، امروز این امتیاز بزرگ را دارد که فضای کشور، فضای امام زمان است. نه فقط شیعه در همهٔ عالم، بلکه همهٔ مسلمانان در انتظار مهدی موعودند. امتیاز شیعه این است که این موعود الهی و قطعی همهٔ طوایف مسلمین، بلکه همهٔ ادیان الهی را با اسم و رسم و خصوصیات و تاریخ ولادت می‌شناسد. خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز و محبوب دل‌های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک، زیارت کرده‌اند. بسیاری از نزدیک با او بیعت کرده‌اند. بسیاری از او سخن دلگرم کننده شنیده‌اند. بسیاری از او نوازش دیده‌اند و بسیار دیگری بدون این که او را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را شناخته‌اند.

در همین جبههٔ جنگ تحمیلی، جوانانی که در لحظه‌های حساس، احساس نورانیت و معنویت کردند، لطفی از غیب به سوی دل‌های خودشان حس و لمس کردند و نشناختند و نفهمیدند، بسیارند. امروز هم همان‌طور است.^{۹۸}

امام خمینی: ما در یک مملکتی هستیم که مملکت ولیّ عصر است و وظیفهٔ آنهایی که در مملکت ولیّ عصر زندگی می‌کنند؛ یک وظیفهٔ سنگین است. نمی‌توانیم ما لفظاً بگوییم ما در زیر پرچم

ولی عصر (سلام الله علیه) هستیم و عملاً در آن مسیر نباشیم. چنانچه نمی‌توانیم بگوییم که ما جمهوری اسلامی داریم، و عملاً آن طور نباشیم؛ اسلامی نباشیم.^{۹۹}

۵. زمینه‌سازی برای ظهور از طریق مبارزه جدی با ظالمین

امام خمینی^{علیه السلام}؛ ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی (صلی الله علیه و آله) است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق امام زمان (ارواحنا فداه) هموار می‌کنیم.^{۱۰۰}

امام خمینی^{علیه السلام}؛ پیغمبر هم شهید داد؛ انبیا هم همین‌طور. سیره انبیا بر این معنا بوده است؛ سیره بزرگان بر این معنا بوده است که معارضه می‌کردند با طاغوت و لو اینکه زمین بخورند، و لو اینکه کشته بشوند و لو کشته بدهند. ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند، و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد. ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان (سلام الله علیه) هستیم پس دیگر بنشینیم تو

فصل چهارم: وظایف منتظران ۱۰۵

خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجَلُ عَلِيٍّ فَرَجٌ». عجل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او. و فراهم کردن اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید.^{۱۰۱}

امام خمینی^{ره}: بله، البته آن پر کردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم، می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است]؛ تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی‌توانیم بکنیم؛ چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند. اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت (سلام الله علیه).^{۱۰۲}

ع. کار فرهنگی و تبلیغی

رهبر انقلاب^{ره}: امروز بحمدالله ملت ما توجهشان به مقوله مهدویت و وجود مقدس حضرت مهدی (سلام الله علیه) از همیشه بیشتر است. روز به روز انسان احساس میکند در دل جوانان، در میان آحاد مردم، شوق و عشق و ارادت و تذکر نسبت به وجود مقدس

حضرت حجت (سلام الله علیه) بیشتر میشود. این هم از برکات خود آن بزرگوار است. نگاه آن بزرگوار، نظره رحیمه آن بزرگوار به ملت ما، دل‌های آنها را متوجه آن حقیقت تابناک کرده است. خود این، نشانه توجه آن بزرگوار است. این را باید قدر دانست.

...امروز خوشبختانه در مجلس ما جمعی از عناصر فرهنگی... جمعی از مجموعه‌های مرتبط با مهدویت حضور دارند. آنچه را که من به این مناسبت در این جمع فرهنگی آگاه و هوشیار به شما برادران و خواهران می‌خواهم عرض بکنم، این است که ما عقاید اسلامی‌مان، بخصوص عقاید شیعی، جزو پاکیزه‌ترین و منطقی‌ترین و مستحکمترین عقاید است. توحیدی که ما تصویر میکنیم، امامتی که تصویر میکنیم، شخصیت نبی که ما تصویر میکنیم، مسائل اعتقادی و معارف دینی‌ای که در آئین تشیع تصویر میشود، تصویرهای روشن و منطقی‌ای است که هر ذهن فعالی و اهل کنکاشی میتواند به حقانیت و صحت و دقت این اعتقادات پی برد.

عقاید شیعه، عقاید بسیار مستحکمی است. همیشه در طول تاریخ اسلام، عقاید تشیع اینجور شناخته شده است. دیگران، مخالفین در مقام احتجاج، در مقام استدلال، در هم‌آوردی‌های کلامی، به استحکام عقاید امامیه که از ائمه (علیهم‌السلام) اخذ شده است، اعتراف کرده‌اند. و ائمه (علیهم‌السلام) به تبع قرآن

فصل چهارم: وظایف منتظران ۱۰۷

کریم، ما را به تأمل، به تفکر و به کارگیری خرد و اندیشه دستور داده‌اند. این است که فکر، اندیشه، خرد، در این عقاید آشکار است؛ به‌علاوه راهنمایی‌های ائمه (علیهم‌السلام) هم که هدایت‌کننده است و جلوگیری از لغزشهاست.

این عقاید را بایستی اولاً درست فهمید، ثانیاً آنها را با تدبیر و تأمل عمق بخشید، ثالثاً آنها را بدرستی منتقل کرد. در همه‌ی مجموعه‌های فرهنگی اینجور است. در آموزش و پرورش، یک معلم، یک مدیر آموزشی یا پرورشی به بهترین وجهی میتواند از این فرصت طلایی عمر نوجوان ما که در اختیار اوست، استفاده کند. عقاید دینی را نه فقط در زنگ تعلیمات دینی، بلکه میشود آن را در همه‌ی فرصتهای تعلیم با هوشیاری، با دقت، با سنجیدگی، در عمق ذهن و جان مستعلم جایگزین کرد، تا او فرصت پیدا کند آن را در دل و مغز خود رشد بدهد.

مجموعه‌های فرهنگی مرتبط با ملتهای دیگر و شاغل در خارج کشور یا مرتبط با آنها، مهمترین کارشان این است که این حقائق را بتوانند با شیوه‌های مختلف در مقابل چشم و نظر خواهندگان و جویندگان قرار بدهند؛ همین قدر که آنها مطلع بشوند.

در همین قضیه‌ی مهدویت، آن کسانی از اهل سنت یا حتی از علمای غیر مسلمان که به عقاید شیعه در باب مهدویت توجه کردند و از آن اطلاع پیدا کردند، تصدیق کردند که بشارتهایی که

در تورات و انجیل و ادیان دیگر هست، همه منطبق با همین مهدویتی است که در شیعه وجود دارد. این را اعتراف میکنند. آن کسی که عقیده شیعه را نمیداند، یا شکل تحریف شده آن به او رسیده، خوب، بدیهی است که یک چنین قضاوتی نمیتواند بکند. شکل درست عقیده را باید منتقل کرد. آن وقت خواهید دید که قضاوت خردمندان عالم، آگاهان عالم، قضاوت موافق با این عقیده خواهد بود و تأیید میکنند و تصدیق میکنند و به آن می‌گروند.

این را، هم جوانان ما - جوانان فرزانه ما، دانشجویان ما، طلاب فاضل ما - هم مجموعه‌هائی که متصدی آموزشند، متصدی تبلیغند، متصدی پرورش افکار و اذهان هستند، باید توجه کنند. نشان دادن آن حقیقتی که در اختیار مذهب امامیه و پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) هست به مخاطب، مساوق^۱ با قبول مخاطب و همراه با تصدیق و پذیرش مخاطب است. حقیقت را باید نشان داد. باید سعی کنیم پیرایه‌ها، خرافه‌ها، ادعاهای دروغین، کج‌فهمی‌ها، بدفهمی‌ها دخالت نکند. البته نقش علمای دین، مبلغان برجسته، روشنفکران در این زمینه نقش برجسته‌ای است. و ملت ما با عمل به تعالیم اهل بیت (علیهم‌السلام) و عمل به قرآن، چه در دوران انقلاب، چه در دوران دفاع مقدس، چه در

فصل چهارم: وظایف منتظران ۱۰۹

حوادث گوناگونی که برای کشور ما پیش آمده است، حقانیت این تعالیم را نشان داد. بسیاری از مردم دنیا در دوران دفاع مقدس با حقانیت تشیع آشنا شدند و به آن گرایش پیدا کردند و آن را قبول کردند و پذیرفتند؛ همچنانی که خیلی از ناظران جهانی در دوران دفاع مقدس، در دوران انقلاب، با حقائقی که در عمل امام بزرگوار ما و حواریون او - که همین جوانهای مبارز و مجاهد و مجاهدان راه حق بودند - دیده شد، به حقانیت اسلام اعتقاد پیدا کردند. بسیاری از ملت‌ها که مسلمان بودند، اما غفلت از حقیقت اسلام داشتند، بیدار شدند؛ آگاه شدند. نشان دادن حقیقت صحیح دین و نشان دادن آن بخصوص در عمل، چنین خاصیت معجزآسایی دارد.^{۱۰۳}

امام خمینی رضی الله عنه: ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات مهم است؛ حتی از نماز و روزه واجب‌تر است. همین تکلیف است که ایجاب می‌کند خون‌ها در انجام آن ریخته شود. از خون امام حسین (سلام الله علیه) که بالاتر نبود، برای اسلام ریخته شد. و این روی همان ارزشی است که اسلام دارد. ما باید این معنا را بفهمیم، و به دیگران هم تعلیم بدهیم.

شما در صورتی خلفای اسلام هستید که اسلام را به مردم بیاموزید. و نگوئید بگذار تا امام زمان (سلام الله علیه) بیاید. شما

۱۱۰ در انتظار «وئی اعظم»

نماز را هیچ وقت می‌گذارید تا وقتی امام زمان (سلام الله علیه) آمد بخوانید؟ حفظ اسلام واجب‌تر از نماز است...
اینجا ننشینید فقط مباحثه کنید؛ بلکه در سایر احکام اسلام مطالعه کنید؛ حقایق را نشر دهید؛ جزوه بنویسید و منتشر کنید، البته مؤثر خواهد بود. من تجربه کرده‌ام که تأثیر دارد.^{۱۰۴}

فصل پنجم:

سوالات و شبهاتی پیرامون مهدویت

۱. علت غیبت امام زمان چیست؟

امام عجلتو و قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائلی می‌فهماند.

من جمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود، در تمام بشر نبوده کسی، الا مهدی موعود (سلام الله علیه) که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر. هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند... و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد...

در زمان ظهور مهدی موعود (سلام الله علیه) که خداوند ذخیره کرده است او را از باب اینکه هیچ کس در اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود

بوده است که عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد، و آن چیزی که انبیا موفق نشدند به آن... به دست این بزرگوار اجرا بشود.^{۱۰۵}

۲. راز طول عمر امام زمان چیست؟

اهم خمینی: اینکه این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنایی، ما از آن می فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک همچو معنایی نبوده است، و بعد از انبیا که آنها هم بودند لکن موفق نشدند، کسی بعد از انبیا و اولیای بزرگ، پدران حضرت موعود، کسی نبوده است؛ که بعد از این، اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می رفتند، دیگر در بشر کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند؛ نمی توانسته. و این یک موجودی است که ذخیره شده است برای یک همچو مطلبی. و لهذا به این معنا عید مولود حضرت صاحب (ارواحنا له الفداء) بزرگترین عید برای مسلمین، است و بزرگترین عید برای بشر است؛ نه برای مسلمین.^{۱۰۶}

۳. برداشت‌های انحرافی از انتظار فرج

۳-۱. طرح شبهات

اهم خمینی: برداشت‌هایی که از انتظار فرج شده است؛ بعضی‌اش را من عرض می کنم:

۳-۱-۱. اکتفا به دعا و آمادگی فردی

امام خمینی^{ره}: بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان (سلام الله علیه) را از خدا بخواهند.

اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند؛ بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می‌شناختم: بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب (سلام الله علیه) بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین؛ دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند.^{۱۰۷}

۳-۱-۲. بی‌توجهی به سیاست و آنچه در دنیا می‌گذرد

امام خمینی^{ره}: یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله، درست می‌کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم.

تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار

آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم. اینها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که صالح بودند.^{۱۰۸}

۳-۱-۳. نهی از منکر نکردن، تا ظلم در عالم فراگیر شود

امام خمینی^{علیه السلام}: یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب، باید عالم پر از [معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند؛ گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.^{۱۰۹}

۳-۱-۴. دعوت مردم به گناه؛ تا ظهور جلو بیفتد!

امام خمینی^{علیه السلام}: یک دسته‌ای از این بالاتر بودند، می‌گفتند: باید دامن زد به گناهها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت (سلام الله علیه) تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته، منحرفهایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرفهایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زنند.^{۱۱۰}

۳-۱-۵. ادعای باطل بودن هر حکومتی قبل از ظهور

امام خمینی^{علیه السلام}: یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است. آنها مغرور بودند. آنهایی که بازیگر نبودند،

مغرور بودند به بعض روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد! در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هر کس علم بلند کند با «علم مهدی»، به عنوان «مهدویت» بلند کند، [باطل است].^{۱۱۱}

۲-۳. پاسخ به شبهات

امام خمینی: حالا ما فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این است که تکلیفمان دیگر ساقط است؟ یعنی، خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا؟ که ما دیگر معصیت نکنیم تا پیغمبر بیاید، تا حضرت صاحب بیاید؟! حضرت صاحب که تشریف می‌آورند برای چی می‌آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را... برای اینکه فساد را از بین ببرند.

ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای اینکه حضرت بیایند؟! حضرت بیایند، چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند، می‌خواهند همین کارها را بکنند. الآن دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟! دیگر بشر تکلیفی ندارد؛ بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد؟!^{۱۱۲}

ربط انقلاب: اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه‌گیری نیست.

جریانهای انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ می کردند، الان هم در گوشه و کنار تبلیغ می کنند که امام زمان می آید و اوضاع را درست می کند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم! چه لزومی دارد ما حرکتی بکنیم! این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز شود و همه‌ی دنیا را روشن کند. خورشید فردا، ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد. امروز اگر ما می بینیم در هر نقطه دنیا ظلم و بی عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم.^{۱۱۳}

امام خمینی: به حسب رأی این جمعیت - که بعضیشان بازیگرند و بعضیشان نادان - این است که ما باید بنشینیم، دعا کنیم به صدام! هر کسی نفییش به صدام کند، خلاف امر کرده است؛ برای اینکه حضرت دیر می آیند! و هر کسی دعا کند به صدام؛ برای اینکه این فساد زیاد می کند! ما باید دعاگوی امریکا باشیم و دعاگوی شوروی باشیم و دعاگوی اذنباشان از قبیل صدام باشیم و امثال اینها؛ تا اینکه اینها عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند! بعد حضرت تشریف بیاورند، چه کنند؟! حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند؛ همان کاری که ما می کنیم و ما

فصل پنجم: سوالات و شبهاتی پیرامون مهدویت ۱۱۷

دعا می‌کنیم که ظلم و جور باشد؟! حضرت می‌خواهند همین را برش دارند.

ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم؛ تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی‌توانیم. اینی که هست، این است که حضرت، عالم را پر می‌کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از تکلیفتان؛ نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید.

... اینکه می‌گوید حکومت لازم نیست، معنایش این است که هر ج و مرج باشد. اگر یک سال حکومت در یک مملکتی نباشد، نظام در یک مملکتی نباشد، آن طور فساد پر می‌کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آنکه می‌گوید حکومت نباشد، معنایش این است که هر ج و مرج بشود؛ همه هم را بکشند؛ همه به هم ظلم بکنند برای اینکه حضرت بیاید. حضرت بیاید چه کند؟ برای اینکه رفع کند این را. این یک آدم عاقل [است؟!]. یک آدم اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاست این کار را نکرده باشد که بازی بدهد ماها را - که ما کار به آنها نداشته باشیم، آنها بیایند هر کاری می‌خواهند انجام بدهند - [ممکن نیست چنین حرفی بزنند!] این باید خیلی آدم نفهمی باشد!^{۱۱۴}

اهم خمیسی: اینهایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود، خیال

کردند که هر حکومتی باشد! این بر خلاف انتظار فرج است. اینها نمی‌فهمند چی دارند می‌گویند. اینها تزریق کرده‌اند بهشان که این حرفها را بزنند. نمی‌دانند دارند چی چی می‌گویند! حکومت نبودن، یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند؛ بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند؛ بر خلاف نص آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای اینکه خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این‌گونه روایت قابل عمل نیست. و این نفهم‌ها نمی‌دانند چی می‌گویند، هر حکومتی باشد حکومت [باطل] است! ... اینها یک چیزهایی است که اگر دست سیاست در کار نبود، ابلهانه بود؛ لکن آنها می‌فهمند دارند چی می‌کنند. آنها می‌خواهند ما را کنار بزنند.^{۱۱۵}

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ بعضیها بی‌توجه، از جدایی دین و سیاست حرف می‌زنند؛ یعنی دین را به گوشه‌های خلوت برانند و انسان دیندار، فقط به نصیحت اکتفا کند! در این جا نصیحت نمی‌تواند کاری بکند. آنچه می‌تواند قدرتها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشه‌ی آن را برکند یا آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی‌ای است که در اختیار

احکام اسلامی باشد. امام زمان (ارواحنا فداه) با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی‌ای که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهز به آن قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را می‌گیرد و کاخهای ستم را ویران می‌کند.^{۱۱۶}

۳-۳. ریشهٔ چنین تفکراتی در کجاست؟

امام خمینی^{علیه السلام}: اما مسئله این است که دست سیاست در کار بوده؛ همان طوری که تزریق کرده بودند به ملت‌ها، به مسلمین، به دیگر اقشار جمعیت‌های دنیا که «سیاست» کار شماها نیست؛ بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است، بدهید به دست امپراتورها. خوب، آنها از خدا می‌خواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت و به دست ظلمه، دست امریکا، دست شوروی، دست امثال اینها و آنهایی که اذنباب اینها هستند و اینها همه چیز ما را ببرند؛ همه چیز مسلمانها را ببرند؛ همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم بگوییم که نباید حکومت باشد! این یک حرف ابلهانه است؛ منتها چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص غافل را، اینها را بازی دادند و گفتند: شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما؛ شما هم بروید توی مسجدهایتان بایستید نماز بخوانید! چه کار دارید به این کارها؟!^{۱۱۷}

امام خمینی^{علیه السلام}: ترویج تفکر «شاه سایه خداست» و یا «با گوشت و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد» و اینکه «ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم» و یا «جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد» و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه‌کننده «حکومت قبل از ظهور امام زمان (علیه السلام) باطل است» و هزاران «ان قلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جانفرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلوی آنها را گرفت؛ تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهرآگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شد آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند.

... در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود - که اگر تنها این بود مقابله را آسان می‌نمود - بلکه علاوه بر آن، از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس‌مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید. در آن زمان، روزی نبود که حادثه‌ای نباشد، ایادی پنهان و آشکار امریکا و شاه به شایعات و تهمتها متوسل شدند حتی نسبت تارک الصلاة و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به عهده

فصل پنجم: سوالات و شبهاتی پیرامون مهدویت ۱۲۱

داشتند می دادند. واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می گریست که چگونه امریکا و نوکرش پهلوی می خواهند ریشه دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس نمای ناآگاه یا بازی خورده و عده‌ای وابسته که چهره‌شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می نمودند.

آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیر المؤمنین (علیه السلام) که در تاریخ روشن است. بگذارم و بگذرم و ذائقه‌ها را بیش از این تلخ نکنم. ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس مآبی و دین فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست بازان امروز شده‌اند.^{۱۱۸}

امام خمینی؛ دسته‌ای دیگر از روحانی‌نماهایی که قبل از انقلاب دین را از سیاست جدا می دانستند و سر به آستانه دربار می ساییدند، یکمرتبه متدین شده و به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آن همه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند تهمت وهابیت و بدتر از وهابیت زدند.

دیروز مقدس‌نماهای بی‌شعور می گفتند: «دین از سیاست جداست» و «مبارزه با شاه حرام است»، امروز می گویند:

«مسئولین نظام کمونیست شده‌اند!» تا دیروز، مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) را مفید و راهگشا می‌دانستند، امروز، از اینکه در گوشه‌ای خلاف شرعی - که هرگز خواست مسئولین نیست - رخ می‌دهد، فریاد «وا اسلاما» سر می‌دهند!

دیروز «حجتیه‌ای»ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند! ... فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به سخره گرفتن فرهنگ شهادت و شهیدان و اظهار طعن‌ها و کنایه‌ها نسبت به مشروعیت نظام، کار کیست؟ کار عوام یا خواص؟ خواص از چه گروهی؟ از به ظاهر معممین یا غیر آن؟ بگذریم که حرف بسیار است.

همه اینها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌هاست، و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است.^{۱۱۹}

امام خمینی: بعضی از آنها، هنوز هم با بزرگ کردن تخلفات، می‌گویند: دیدید که با تشکیل حکومت هم کاری پیش نرفت!!

البته در یک کشوری که تازه می‌خواهد احکام اسلام را پیاده کند و دارای چهل میلیون جمعیت و با آن وسعت است، نمی‌شود

فصل پنجم: سؤالات و شبهاتی پیرامون مهدویت ۱۲۳

یکدفعه کارها درست بشود و هیچ خلافی واقع نگردد، در زمان خود پیامبر و حضرت امیر هم خلاف واقع می‌شد. باید جهات مثبت را نگاه کرد، نه جهات منفی را. و ما نباید توقع داشته باشیم که «صبح کنیم در حالی که همه چیز سر جای خودش باشد!» در زمان حضرت صاحب (سلام الله علیه) هم که ایشان با تمام قدرت می‌خواهند عدل را اجرا نمایند، با این ترتیب نمی‌شود که هیچ‌کس حتی خلاف پنهانی هم نکند. و بالاخره همان‌ها هم که مخالف هستند، حضرت صاحب (عج) را شهید می‌کنند. و در روایات، قریب به این معنا دارد که بعضی فقهای عصر با ایشان مخالفت می‌کنند.

پس این‌طور نیست که خلاف فلان قاضی یا فلان فرماندار و اصولاً بعضی جهات منفی، خطری باشد. در زمان حضرت امیر هم قاضی‌اش و فرماندارش خلاف می‌کرده است؛ این اجتناب ناپذیر است.^{۱۲۰}

فصل ششم:

ولایت فقیه؛ نیابت امام زمان

امام خمینی^{علیه السلام}: قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله هست. و اینها از ولایت رسول الله هم می ترسند! شما بدانید که اگر امام زمان (سلام الله علیه) حالا بیاید، باز این قلمها مخالفاند با او.^{۱۲۱}

۱. آیین ولایتمداری در عصر غیبت

پیغمبر اعظم^{صلی الله علیه و آله}: در اسلام، «ولی امر» آن کسی است که فرستاده خداست، آن کسی است که خود خدا معین می کند... او (خداوند) پیغمبر و امام را معین می کند و برای بعد از امام نیز صفاتی را معین می کند که اینها بعد از ائمه هده معصومین، حاکم بر جامعه اسلامی هستند.

پس «ولی» را خدا معین می کند؛ خودش ولی است، پیغمبرش

ولی است. امام‌ها ولی هستند، امام‌های خاندان پیغمبر، تعیین شده‌اند که دوازده نفرند و در رتبه بعد کسانی که با یک معیارها و ملاک‌های خاصی تطبیق بکنند و جور بیاند. آنها از برای حکومت و خلافت معین شده‌اند.^{۱۲۲}

امام ششمین: نظریه شیعه در مورد طرز حکومت و اینکه چه کسانی باید عهده‌دار آن شوند، در دوره رحلت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تا زمان غیبت واضح است. به موجب آن، امام باید فاضل و عالم به احکام و قوانین و در اجرای آن عادل باشد. اکنون که دوران غیبت امام (علیه‌السلام) پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید.^{۱۲۳}

امام ششمین: اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده‌است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دویست سال بود؟ یا اینکه اسلام تکلیف را معین کرده‌است، ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود؛ و ما با بی‌حالی، دست روی دست بگذاریم که هر کاری می‌خواهند بکنند. و ما اگر کارهای آنها را امضا نکنیم، رد نمی‌کنیم! آیا باید

این‌طور باشد؟ یا اینکه حکومت لازم است؛ و اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده‌است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب (علیه‌السلام) موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده‌است. این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد، در عده بی‌شماری از فقهای عصر ما موجود است... اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در امر اداره جامعه داشت دارا می‌باشد؛ و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.^{۱۲۴}

۲. ولی فقیه، نایب امام زمان در عصر غیبت

بجز علم انقلاب؛ متکی هستیم بر یک ارزش‌هایی در باب حکومت که آن ارزش‌ها را اگر ما بیان بکنیم، هر شنونده‌ای که با انصاف باشد، او را قبول خواهد کرد. به شرط اینکه اسمش را نیاوریم؛ اسمش ولایت فقیه است.

تا گفتیم ولایت فقیه، یک پیش‌داوری‌هایی فوراً به وجود می‌آید در ذهن مخاطب، مخاطب خارجی بی‌اطلاع که نمی‌گذارد مطلب را بفهمد. اما اگر همین را شما بیان بکنید، بگویید ما معتقد هستیم، مثلاً کسی باید در رأس کار قرار بگیرد که مرتکب

گناه نشود؛ عدالت [داشته باشد]؛ عمداً گناه نکند. کسی باید باشد که نسبت به مردم دلسوز باشد. کسی باید باشد که از هوای نفس خود پیروی نکند. کدام شخصیت سیاسی است در دنیا که اینها را قبول نداشته باشد؟^{۱۲۵}

رهبر عظیم انقلاب؛ اصل مفهوم رهبری فقیه و حاکمیت دین‌شناسان فقیه یعنی چه؟ «فقیه» یعنی کسی که دین را می‌شناسد؛ راهی را که دین برای مردم ترسیم کرده است تا بتوانند سعادت و خوشبختی و آزادی و خوشی دنیا و آخرت را به دست بیاورند، او را می‌شناسد و در مقابل مردم می‌گذارد؛ فقیه یعنی این.

حاکمیت یک چنین انسانی، یک منطق عقلانی پشت سرش هست؛ یک استدلال محکم دارد. حاکمیت چنین انسانی که حاکمیت یک نظامی یا حاکمیت یک سرمایه‌دار یا حاکمیت یک سیاستمدار حزبی حرفه‌ای، چنین استدلالی را با خودش ندارد.^{۱۲۶}

رهبر عظیم انقلاب؛ ... اما در دوران غیبت، یعنی در همان دورانی که ما هم معتقدیم که امام معصومی در جامعه وجود ندارد؛ آن حکومت متعلق به کی باشد بهتر است؟

... همان حکومتی که متعلق به خدا بود و منتقل به پیغمبران و پیغمبر اسلام شد، در این دوران منتقل می‌شود به یک انسانی که طهارت و تقوا [را] در حدّ عدالت داشته باشد؛ انسان پاکیزه و

با تقوایی باشد؛ گناه نکند؛ ظلم نکند؛ گرایش به دشمنان خدا پیدا نکند؛ مطیع امر خدا باشد؛ با هوای نفس خود مخالفت کند؛ بر نفس خود کنترل داشته باشد؛ این یک شرط. علاوه بر آن، به احکام اسلامی و به قرآن کاملاً مسلط باشد؛ یعنی قدرت فقاہت داشته باشد؛ بتواند اسلام را بفهمد؛ دین را بشناسد؛ احکام الهی را از مستندات آن کشف کند؛ با قرآن مانوس باشد؛ با سنت آنس داشته باشد و توانایی استنباط داشته باشد. علاوه بر آن - یعنی از غیر فقاہت و عدالت - درایت و کفایت هم لازم است؛ انسانی باشد که دارای درایت لازم باشد؛ هوشمند باشد؛ زمان را بشناسد؛ دشمنان اسلام را بشناسد؛ دنیا را بشناسد.

... این سه شرط است که یک انسان را شایسته می‌کند و لایق می‌کند که ولایتی را که متعلق به خداست، متعلق به پیغمبر است، در اختیار بگیرد.^{۱۲۷}

۳. کار ولی فقیه چیست؟

امم خمینی: کار علماء کار انبیاء است؛ «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ». انبیاء کارشان مسئله گویی فقط نبود. اگر انبیاء فقط به این اکتفا می‌کردند که حلال و حرامی را برای مردم بیان کنند، این که مشکلی وجود نداشت؛ کسی با اینها در نمی‌افتاد. در این آیه

۱. و براستی علماء وارثان پیغمبرانند. (الکافی، ج ۱، ص ۳۲)

شریفه «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»^۱، این چه تبلیغی است که خشیت از مردم در او مندرج است که انسان باید از مردم نترسد در حال این تبلیغ. اگر فقط بیان چند حکم شرعی بود که ترس موردی نداشت که خدای متعال تمجید کند که از مردم نمی ترسند؛ از غیر خدا نمی ترسند. این تجربه های دشواری که انبیای الهی در طول عمر مبارک خودشان متحمل شدند، برای کی بود؟ چه کار می کردند؟ «وَ كَأَيُّ مَنِ بِي قَاتِلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَاثَرُوا»^۲. چي بود این رسالتی که باید برایش جنگید؟ باید جنود الله را برای او بسیج کرد، پیش برد؛ فقط گفتن چند جمله حلال و حرام و گفتن چند مسئله است؟ انبیاء برای اقامه حق، برای اقامه عدل، برای مبارزه با ظلم، برای مبارزه با فساد قیام کردند، برای شکستن طاغوتها قیام کردند.

وقتی می گوئیم ولایتی را که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) داشتند، بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام

۱. (پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالتهای الهی می کردند و (تنها) از او می ترسیدند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش دهنده اعمال آنها) است! (احزاب: ۳۹)
 ۲. چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند) و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد. (آل عمران: ۱۴۶)

ائمه (علیهم السلام) و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است. زیرا اینجا صحبت از مقام نیست؛ بلکه صحبت از وظیفه است.

«ولایت»، یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه سنگین و مهم است؛ نه اینکه برای کسی شأن و مقام غیر عادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر، «ولایت» مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره، بر خلاف تصویری که خیلی از افراد دارند، امتیاز نیست بلکه وظیفه‌ای خطیر است... مثل این است که امام (علیه السلام) کسی را برای حضانت، حکومت، یا منصبی از مناصب، تعیین کند. در این موارد معقول نیست که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام با فقیه فرق داشته باشد.

خداوند متعال رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را «ولی» همه مسلمانان قرار داده؛ و تا وقتی آن حضرت باشند، حتی بر حضرت امیر (علیه السلام) ولایت دارند. پس از آن حضرت، امام بر همه مسلمانان، حتی بر امام بعد از خود، ولایت دارد؛ یعنی، اوامر حکومتی او درباره همه نافذ و جاری است و می‌تواند قاضی و والی نصب و عزل کند. همین ولایتی که برای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی اداره هست، برای فقیه هم هست... در این معنا مراتب و درجات نیست که یکی در مرتبه بالاتر و دیگری در مرتبه پایین‌تر باشد؛ یکی

۱۳۲ در انتظار «ولی اعظم»

والی و دیگری والی تر باشد.^{۱۲۸}

۴. کدامیک از فقهای شیعه ولی فقیه را جانشین امام زمان (عج) می‌دانند؟

❖ قریب به اتفاق علما، فقیه را در زمان غیبت، نایب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌دانند؛ به عنوان نمونه می‌توان به شیخ مفید (المقنعه، ص ۸۱۰)، شیخ طوسی (النهاییه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۳۰۲)، ابن ادریس حلی (السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، ص ۵۳۹)، شهید ثانی (رسائل الشهید الثانی، ج ۱، ص ۲۳۱)، محقق سبزواری (ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، ج ۲، ص ۴۶۵)، علامه حلی (تذکره الفقهاء، ج ۵، ص ۴۰۲)، مقدس اردبیلی (مجمع الفائده، ج ۱۲، ص ۱۱)، محقق کرکی (رسائل، ج ۱، ص ۱۲) و میرزای قمی (جامع الشتات، ج ۱، ص ۲۰۸) اشاره کرد.

❖ برای ملاحظه نظر دیگر فقها، رجوع کنید به کتاب‌های:

- «فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه» تالیف محمدعلی

قاسمی و همکاران، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛

- «حکمت حکومت فقیه» نوشته آیت الله ممدوحی، انتشارات

بوستان کتاب قم.

۵. غیر از امام خمینی و چند عالم معاصر، کسی از علمای شیعه هست که همهٔ اختیارات حکومتی امام زمان را برای ولی فقیه معتبر بداند؟
محقق گرگی:

❖ کسی نمی‌تواند بگوید که فقیه، فقط در زمینهٔ فتاوا برای عبادات منصوب است، زیرا این توهّم در نهایت سستی است؛ بلکه فقیه از ناحیهٔ معصومین (علیهم السلام) به عنوان نیابت در همهٔ مجاری امور مسلمین نصب شده و بسیاری از ادّله بر آن دلالت دارد.^۱

شهید ثانی:

❖ مراد از فقیه هنگامی که به عنوان ولایت اطلاق می‌گردد، همان شخص جامع شرایط فتواست؛ زیرا او از سوی ائمه (ع) برای مصالح عمومی مردم منصوب شده است و کسی که قائل به وجوب ادای آن به امام معصوم است، در عصر غیبت، ادای آن را به فقیه مورد اطمینان، واجب دانسته است.^۲

فیض کاشانی:

❖ همانا بر عهدهٔ فقها می‌باشد که به خاطر حق نیابتی که از

۱. جامع المقاصد، ج ۲، ص ۳۷۴

۲. مسالک الافهام ج ۱، ص ۴۲۷؛ و نیز بنگرید به: همان، ج ۳، ص ۹

۱۳۴ در انتظار «ولی اعظم»

امام زمان (عج) دارند، تمامی احکام دین را اقامه نمایند؛ هم چنان که شیخین و علامه و عده‌ای از علما چنین نظر داده‌اند؛ زیرا فقها از طرف ائمه اجازه اقدام دارند.^۱

ملا احمد نراقی:

❖ هر آنچه پیامبر و امام - که فرمانروایان مردم و دژهای استوار اسلام هستند - در آن ولایت دارند، فقیه نیز در آن ولایت دارد؛ بدلیل اجماعی که بسیاری از اصحاب به آن تصریح نموده‌اند و روایاتی است که به این مسئله تصریح کرده است. و همسـة مواردی که نظام زندگی مردم به آن وابسته است و دخالت در آن به حکم و عقل و یا عادت لازم می‌باشد، ... بر عهده ولی فقیه است... چون فقیهان بهترین خلق خدا بعد از نبیین و افضل و امین به دست آنها مجاری امور است، آنها به ولایت سزاوارتر هستند.^۲

محمد حسن نجفی (صاحب جواهر):

❖ نصب فقیه، عام بوده و شامل کلیه مواردی است که در حیطة اختیارات امام می‌باشد؛ زیرا امام (علیه السلام) می‌فرماید: «من فقیه را حاکم قرار داده‌ام» که ظهور در ولایت عام دارد... و این کلام امام

۱. مفاتیح الشرائع، ج ۲ ص ۵۰

۲. عوائد الأیام فی بیان قواعد الأحکام، ص: ۵۳۶

فصل ششم: ولایت فقیه؛ نیابت امام زمان ۱۳۵

(علیه السلام) که فرمود: «در حوادث واقعه به راویان ما مراجعه کنید»، دارای شمول و گستردگی است و این بدان معناست که در هر موردی که من بر کسی حجت خدایم، فقیهان نیز بر شما حجت اند، مگر در موردی که دلیل بر استثنا وجود داشته باشد.^۱

شیخ مرتضی انصاری:

❖ حکم فقیه جامع الشرایط در تمام فروع احکام شرعی و موضوعات حجت و نافذ است؛ زیرا مقصود از لفظ [حاکم] که در مقبوله عمر بن حنظله آمده، نفوذ حکم او در تمام شئون و زمینه‌هاست... همانند آنکه سلطان وقت، کسی را به عنوان حاکم معین کند؛ که مستفاد از آن تسلط او بر تمام شئون مربوط به حکومت، اعم از جزئی و کلی است. و از آن، مرجعیت فقیه جامع الشرایط در تمامی شئون عامه مرتبط با امت روشن می‌شود.^۲

آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری:

❖ تقریب استدلال به روایت «اما الحوادث الواقعه...» چنین است: فقیه از سوی امام (علیه السلام) حجت است و معنای حجت بودن او از طرف امام در عرف، این است که در همه مواردی که باید به امام مراجعه شود، فقیه نیز مرجعیت و حجیت دارد.^۳

۱. جواهر الکلام ج ۴، ص ۱۸ و نیز بنگرید به: همان، ج ۱۶، ص ۱۷۸

۲. القضاء و الشهادات، ص ۴۸

۳. صلوة الجمعة، ص ۱۵۴-۱۵۵

آیت الله العظمی محمد رضا گلپایگانی:

❖ محدوده اختیارات فقهاء محدوده‌ای عام است که از اطلاقات ادله ای چون «العلماء ورثه الانبياء و خلفاء الرسول» دریافت می‌شود، به جز مواردی که از اختصاصات ائمه (علیهم السلام) شمرده شده. محدوده ولایت فقیه جامع شرایط در امور مربوط به سیاست و اداره اجتماع، مانند محدوده اختیارات ائمه (علیهم السلام) است...^۱

حضرت آیت الله العظمی بروجردی:

❖ یکی از امور مقررّه در اسلام، حکومت است؛ به اجماع علماء الاسلام؛ بل الضرورة من الدین. و حاکم را وظایفی است معینه؛ از اجرای حدود و حفظ ثغور و نظم امور و اقامه عدل و... از اموری که تصدی آنها در جمیع ملل شأن رئیس است و ثبوت این وظایف هم برای حاکم مسلمین و منصوب از قبیل سلطان اسلام، (یعنی امام زمان ارواحنا فداه) محل اتفاق فریقین (شیعه و سنی) است.^۲

۱. الهدایة الی من له الولاية ص ۷۹

۲. استغنائات حضرت آیت الله العظمی بروجردی، جلد دوم، ص ۴۷۶، سؤال ۱۹؛ در پاسخ به این سؤال که «در باب ولایت فقیه و مجتهد اولاً؛ نظر و رأی مبارک چیست؟ آیا ولایت عامه التوسط بین الولاية المطلقة المعبر عنها بولاية اولی بانفس و الدرجة النازلّة که ولایت در امور حسیه باشد قائل هستید یا همان ولایت در امور مخصوصه حسیه را که بعضی فرموده‌اند: «قدر متقین از ادله است» عقیده دارید؟» این مطلب بیان شده است.

حضرت آیت الله سیستانی:

❖ ولایت در آن چه - به اصطلاح فقها - امور حسبیه خوانده می‌شود، برای هر فقیهی که جامع شرایط تقلید باشد، ثابت است. و اما ولایت فقیه در امور عامه که نظم جامعه اسلامی بر آنها متوقف است، برای فقیه ثابت است، مشروط به تأمین شرایطی - هم در شخص فقیه و هم در شرایط به کار بستن ولایت - از جمله مقبول بودن نزد مؤمنین.^۱

❖ برای ملاحظه متن عربی اقوال علما و نظر دیگر فقها، رجوع کنید به کتاب‌های:

- «فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه» تالیف محمدعلی قاسمی و همکاران، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛
- «تحول نظریه دولت در اسلام»، تالیف احمد جهان بزرگی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
- «اندیشه‌های سیاسی شیعه در عصر غیبت» تالیف علی اکبر پازوکی، نشر معارف؛
- «حکمت حکومت فقیه» نوشته آیت الله ممدوحی، انتشارات بوستان کتاب؛

۱. به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معظم له به نشانی:

- «ولایت فقیه؛ سایه‌ی حقیقت عظمی»، تألیف دفتر فرهنگی
فخرالائمہ (علیہم السلام) قم، نشر اسوه

۶. علمای ربانی؛ الگوی ولایت‌مداری

شہید محراب آیت الله دستغیب:

❖ کیست که این ناله مرا به گوش عمامہ [به] سرهای ایران
برساند، هر کسی می‌خواهی باش! خودت را مجتهد می‌دانی؛
مقدمات خوان می‌دانی؛ نمی‌دانم، هر چه خودتان می‌دانید؛ بر تو
واجب است امروز تبعیت از یک نفر. تو حق نداری درمقابل رهبر
حرفی بزنی؛ تماماً باید تبعیت کنند... هر عمامہ [به] سری که از
رهبر مکرم فاصله بگیرد، لعنت خدا برش باد. تمام عمامہ سرها،
همه باید مطیع؛ همه باید مطیع یک رهبر. امام یکی، نائب امام
هم یکی.^۱

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره):

❖ ولایت فقیه یعنی اینکه مشروعیت کارهایی که واقع می‌شود
با اجازه و دخالت فقیه باشد هم نسبت به مجلس و هم قوه
قضائیه و هم مجریه و این مطلب در استفتائات امام (ره) هم
وجود دارد که مسئله ولایت فقیه بر حدی دائرہ اش وسیع است

۱. کتاب ولایت فقیه؛ سایه حقیقت عظمی، ج ۵، ص ۹۴

که حتی در امور جزئی مانند عبور از یک چراغ قرمز دخالت دارد و مخالفت با آن را حرام می‌دانستند. لذا ضمن اینکه حکومت اسلامی شد، مسئله استبداد و سلطه‌گری و اینها را کنار گذاشتند و همه امور در نظام اسلامی از آغاز تا انجام به ولایت فقیه منتهی می‌شود.^۱

آیت الله مشکینی (ره):

❖ اصل ولایت فقیه بطور مشخص در قانون اساسی با نظر ۴۰ مجتهد به تصویب رسید و جای هیچگونه شبهه‌ای نیست... قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کامل است و مصوبات آن پس از آنکه به تایید حضرت امام راحل رسید، ۹۹ درصد مردم به آن را می‌دادند... کسانی که امروز به قانون اساسی برخی از کشورها جامع‌تر است و مطابق عقل و شرع و با دقت کامل تدوین شده است...^۲

آیت الله بهاء‌الدینی (ره):

❖ از همان زمان، رهبری را در آقای خامنه‌ای می‌دیدم؛ چرا که ایشان ذخیره الهی برای بعد از امام بوده است.

باید او را در اهدافش یاری کنیم. باید توجه داشته باشیم که

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۰۹/۰۲

۲. روزنامه سلام، ۱۳۷۶/۰۹/۰۱

مخالفت با ولایت فقیه، کار ساده‌ای نیست. هنگامی که میرزای شیرازی بزرگ، مبارزه با دولت انگلستان را از طریق تحریم تنباکو آغاز کرد، یک روحانی با او مخالفت کرد و میرزا با شنیدن مخالفت او، وی را نفرین کرد. همان نفرین باعث شد که نسل او از سلک روحانیت محروم شوند. پسر جوانش جوانمرگ شد و حسرت داشتن فرزند عالم به دل او ماند.^۱

علامه حسن زاده آملی:

❖ رهبر عظیم‌الشان‌تان را دوست بدارید؛ عالمی، عادل، رهبری، مؤمنی، موحدی، سیاسی، دلداری، رهبری، انسان ربانی، پاک، منزّه، که دنیا شکارش نکرده من جایی [سراغ] ندارم که عرض کنم. قدر این نعمت عظمی را که خدا به شما عطا فرمود، قدر این رهبرِ ولیّ - و همان عبارات که سرور عزیزم جناب استاد حدادعادل، ارائه دادند - رهبری، ولیّی، الهی [را بدانید].

الآن این انسجام ما، تکلیف شرعی ماست. مبادا عزیزان! آقایان مبادا! (این «مبادا» را توجه داشته باشید) مبادا آقایان! - اول انقلاب یادتان هست چند فرقه برخاستند که می‌خواستند کشور را تجزیه کنند؟ حواستان جمع باشد - مبادا این وحدت ما را! مبادا این جمعیت ما را! مبادا این کشور علوی را! مبادا این نعمت

۱. آیت بصیرت، خاطراتی از زندگی عارف بزرگ آیت الله بهاء الدینی، ص ۱۳۱

ولایت را! از دست شما بگیرند. خدایا به حق پیغمبر و آل پیغمبر، سایه این بزرگمرد، این رهبر اصیل اسلامی، حضرت آیت‌الله معظم خامنه‌ای عزیز را مستدام بدار.^۱

آیت الله جوادی آملی:

❖ انقلاب اسلامی نظیر انقلاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) است؛ خداوند فرمود ما یک کاری کردیم که نه دوست فکر می‌کرد نه دشمن.

اگر خدای ناکرده این انقلاب کمی آسیب ببیند، دیگر مانند جریان صفویه نیست که بعد از آن زندیه و قاجار و پهلوی بیاید. اگر معاذالله ضربه ببیند، رفت که رفت! خدا آن روز را نیاورد! این رهبر، دولت، نظام و ملت را باید با دعا حفظ کرد. اگر اختلافی است، باید بر اساس قانون و مطالبی که رهبری می‌فرماید عمل کرد... آیه ۵۴ سوره مائده می‌فرماید: اکنون که اسلام آمده، اگر شما اسلام را یاری نکنید من یک گروهی را می‌آورم بهتر از شما. دنیا که تمام نشده است! معاذالله کسی فکر نکند که اگر انقلاب را یاری نکردیم، تمام می‌شود؛ وعده الهی است؛ عمده خسارت بر خود ماست.

اگر خدای نکرده ما هم راه پیشینیان را در این انقلاب طی نکردیم،

۱. کتاب ولایت فقیه؛ سایه حقیقت عظمی، ج ۵، ص ۹۴

۱۴۲ در انتظار «ولی اعظم»

به همان عواقب دچار خواهیم شد.^۱

آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

❖ احترام به قانون اساسی که میراث خون شهیدان ماست و به تصویب ۹۸ درصد مردم رسیده است، احترام به ولایت فقیه است. همچنان که احترام به ولایت فقیه نیز احترام قانون اساسی و ارج نهادن به خون شهیدان است... حلقه اتصال مردم در کشوری که قومیت‌ها و زبان‌های مختلف دارد فقط اسلام است و نبود ولایت فقیه به معنای شکستن این حلقه است. علاقه به اسلام، کشور و قانون اساسی ما را بر آن می‌دارد که در حفظ حکومت اسلامی و ولایت فقیه تلاش کنیم.^۲

آیت الله نوری همدانی:

❖ دشمنان امروزه موضوع اصل ولایت فقیه را مورد حمله قرار داده‌اند و می‌خواهند به هر طریقی، به این رکن اساسی و اصلی نظام ضربه بزنند.

دشمنان با انقلاب مخملی خود می‌خواهند «ولی فقیه» را مورد حمله خود قرار داده، که ما باید در مقابل این توطئه‌ها بیدار و هشیار باشیم.

۱. بیانات در درس تفسیر، ۲۷ دی ۱۳۸۸، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی

۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۶/۰۹/۰۴

فصل ششم: ولایت فقیه؛ نیابت امام زمان ۱۴۳

فتنه‌های دشمنان را باید جدی بگیریم و با ایستادگی در برابر آن، مدافع حریم ولایت باشیم.^۱

حضرت آیت‌الله العظمی سبزوئی:

❖ «ولایت فقیه پرتویی از ولایت امام زمان (عج) است و دشمنان برای ضربه زدن به نظام و ولایت فقیه به سراغ ولایت کبری رفته اند.»^۲

آیت الله صالحی مازندرانی (ره):

❖ روح نظام همین ولایت فقیه است. در قانون اساسی این را به عنوان اصل اصیل و رکن رکن گذاشته اند... تلاش‌های زیادی بود و هست برای اینکه این روح از نظام برود، وقتی روح برود جسد خالی و بی روح دیگر تاثیری ندارد.^۳

حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی:

❖ «هرکجا که می‌توانید، این نظام را با این همه شهید، از انحرافات نجات دهید تا استقامت نظام باقی بماند و تضعیف نشود، قوت نظام و حکومت اسلامی وقتی است که دین پابرجا بوده و جلوی مفسد بزرگ‌تر گرفته شود.»^۴

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، دوشنبه ۲۱ دی ۱۳۸۸

۲. کتاب قانون عزت و اقتدار، ج ۴، ص ۲۸۱

۳. روزنامه جمهوری، ۱۳۷۶/۰۹/۰۵

۴. کتاب ولایت فقیه؛ قانون عزت و اقتدار، ج ۴، ص ۲۸۱

۱۴۴ در انتظار «ولی اعظم»

آیت الله مصباح یزدی:

❖ ولایت فقیه عامل پیروزی انقلاب اسلامی، ملاک مشروعیت نظام اسلامی و مایه تداوم و بقاء آن است... نباید اعتقاد به ولایت فقیه به عنوان یک شعار سیاسی یا به خاطر تبعیت از قانون اساسی باشد؛ زیرا چنین باوری ضعیف، سست و قابل تغییر خواهد بود. اعتقاد به ولایت فقیه و اطاعت از او امر او مانند اطاعت از پیامبر(ص) است که خداوند بر مسلمین واجب کرده است.

هر عاقل منصفی می‌پذیرد که در طول سه دهه‌ی گذشته امام راحل(ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چه در امور داخلی و چه در مسایل خارجی، از هر جهت بهترین نوع مدیریت را داشته‌اند و بارها این نظام را از بحران نجات داده‌اند.^۱

حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی:

❖ «عشق و محبت به امام(ره) تضمین کننده حفظ نظام اسلامی است. تلاش کنید تا ملت و مملکت خود را در برابر دشمنان اسلام حفظ نمایید.»^۲

۱. کتاب ولایت فقیه؛ سایه حقیقت عظمی، ج ۵، ص ۹۶

۲. کتاب کانون عزت و افتدار، ج ۴، ص ۲۸۱

حضرت آیت الله موسوی شالی (ره):

❖ ولی فقیه جانشین امام زمان (عج) است. همان طوری که امام زمان (عج)، روح عالم وجود است، ولایت فقیه هم روح اجتماع و نظام است... استنباط مسایل حکومتی، به علت در دسترس نبودن همه ادله، کاری سخت و دشوار است، اما در مسایل فردی از قبیل طهارت، صلات، نکاح، خمس و... دسترسی به ادله راحت تر است. پس وقتی ما قائل هستیم که تشخیص مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مسایل سخت تر و مهم تر از سایر مراجع بهتر است، احساس می کنیم در مسایل دیگر نیز بهتر از بقیه استنباط می کند. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) مؤید ایشان است و به صورت خاص به ایشان نظر دارد.^۱

۷. کلام آخر

۷-۱. ولایت فقیه؛ نشانه‌ای از عالی ترین حقیقت عالم

آفرینش

رهبر عظیم انقلاب: رهبری آن چیزی است که در حقیقت، سایه و نشانه عالی ترین حقیقت عالم آفرینش است؛ یعنی مقام ولایت عظمی و کبری؛ یعنی مقام مقدس نبوت و مقام مقدس امامت معصوم.

۱۴۶ در انتظار «ولی اعظم»

چیزی که ما در همهٔ مجاری خلقت و در همهٔ آثار و آیات الهی به عظمت او چیزی را سراغ نداریم. این در زمان غیبت کبری بر حسب مفاهیم مورد قبول و متسالم علیه ما یک نشانه‌ای، سایه‌ای، اثری دارد و او، همین رهبری است که به انتخاب اهل حلّ و عقل و خبرگان اتفاق می‌افتد.^۱

۷-۲. مخالفان ولایت فقیه؛ رودرروی امام زمان

امام خمینی رضوان الله علیه: قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله هست. و اینها از ولایت رسول الله هم می‌ترسند! شما بدانید که اگر امام زمان (سلام الله علیه) حالا بیاید، باز این قلم‌ها مخالفانند با او.^۲

۱. در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۷۲/۱۰/۸

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۰۹

پی نوشت‌ها

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان ۱۳۸۴/۰۶/۲۹
۲. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور در روز ولادت حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۸/۰۹/۰۳
۳. سخنرانی در سالروز میلاد امام عصر (عج) ۱۳۶۹/۱۲/۱۱
۴. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۸۶
۵. تفسیر سوره حمد، ص ۲۳۷
۶. بیانات به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۰۹/۲۵
۷. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور در ولادت حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۸/۰۹/۰۳
۸. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷
۹. بیانات در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۰/۱۱/۳۰
۱۰. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۱۱. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۱۲. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۱۳. بیانات در سالروز میلاد خجسته امام زمان (عج) ۱۳۷۹/۸/۲۲
۱۴. (دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷)
۱۵. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور همزمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۸/۰۹/۰۳
۱۶. بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه ی فجر و قشربانی مختلف مردم در روز نیمه شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۱۸
۱۷. بیانات در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۱۸. بیانات در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۱۹. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان ۱۳۸۴/۰۶/۲۹
۲۰. سخنرانی در روز نیمه شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷
۲۱. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۲۲. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۲۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۲۴. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۲۵. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان ۱۳۸۴/۰۶/۲۹
۲۶. بیانات مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۰۹/۲۵

۱۴۸ در انتظار «ولی اعظم»

۲۷. بیانات مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۰۹/۲۵
۲۸. بیانات به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۰۹/۲۵
۲۹. بیانات در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر(عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۳۰. بیانات در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر(عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۳۱. بیانات در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر(عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۳۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷
۳۳. دیدار با روحانیون ۱۳۸۵/۰۸/۱۷
۳۴. بیانات در جمع علما و مدرسان و فضلالی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی(عج) ۱۳۷۰/۱۱/۳۰
۳۵. صحیفه امام، ج ۴۰، ص ۳۴۱
۳۶. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور همزمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی(عج) ۱۳۷۸/۰۹/۰۳
۳۷. بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی ۱۳۷۶/۰۴/۲۵
۳۸. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۲
۳۹. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۳
۴۰. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰
۴۱. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسؤول و سردبیران نشریات دانشجویی ۱۳۷۷/۱۲/۰۴
۴۲. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه‌ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۱۳۶۸/۱۱/۰۹
۴۳. بیانات به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰
۴۴. بیانات به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰
۴۵. بیانات به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰
۴۶. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۴۰
۴۷. بیانات به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰
۴۸. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۹۹
۴۹. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۳
۵۰. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۰۱/۲۶
۵۱. بیانات به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰
۵۲. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت‌کننده در سمینار «تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی(ره)»، در سالروز میلاد امام عصر(عج) ۱۳۶۹/۱۲/۱۱
۵۳. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت‌کننده در سمینار «تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی(ره)»، در سالروز میلاد امام عصر(عج) ۱۳۶۹/۱۲/۱۱
۵۴. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷
۵۵. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷
۵۶. سخنرانی در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷
۵۷. سخنرانی در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷
۵۸. سخنرانی در خجسته سالروز ولادت امام زمان(عج) ۱۳۶۸/۱۲/۲۲
۵۹. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۴/۰۶/۲۹
۶۰. سخنرانی در خجسته سالروز ولادت امام زمان(عج) ۱۳۶۸/۱۲/۲۲

۶۱. بیانات در جمع علما و مدرسان و فضیای حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۰/۱۱/۳۰
۶۲. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج) ۱۳۷۹/۰۸/۲۲
۶۳. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷
- ۶۴
۶۵. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت‌کننده در سمینار «تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)»، در سالروز میلاد امام عصر (عج) ۱۳۶۹/۱۲/۱۱
۶۶. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۷۵
۶۷. سخنرانی در میلاد امام عصر (عج) ۱۳۶۹/۱۲/۱۱
۶۸. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم ۱۳۸۷/۰۳/۲۱
۶۹. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج) ۱۳۷۹/۰۸/۲۲
۷۰. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۱/۱۱/۲۸
۷۱. بیانات در روز نیمه شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۱۸
۷۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصیای تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰
۷۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان ۱۳۸۴/۰۶/۲۹
۷۴. بیانات در جمع علما و مدرسان و فضیای حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۰/۱۱/۳۰
۷۵. بیانات در سالروز میلاد خجسته‌ی امام زمان (عج) ۱۳۷۹/۰۸/۲۲
۷۶. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، در خجسته سالروز ولادت امام زمان (عج) ۱۳۶۸/۱۲/۲۲
۷۷. سخنرانی در خجسته سالروز ولادت امام زمان (عج) ۱۳۶۸/۱۲/۲۲
۷۸. صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۴۱
۷۹. صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۸۵
۸۰. صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۲۳
۸۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۰۹/۲۵
۸۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۳
۸۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۰۹/۲۵
۸۴. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۵
۸۵. بیانات به مناسبت نیمه شعبان در مصیای تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰
۸۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان ۱۳۸۱/۰۷/۳۰
۸۷. سخنرانی در خجسته سالروز ولادت امام زمان (عج) ۱۳۶۸/۱۲/۲۲
۸۸. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۸۴
۸۹. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۹۴
۹۰. صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۹۲
۹۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۷۳
۹۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۲۴
۹۳. بیانات به مناسبت سوم شعبان ۷۱/۱۱/۶
۹۴. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۷۵
۹۵. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۶۵

۱۵۰ در انتظار «ولی اعظم»

۹۶. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۹۹
۹۷. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۹
۹۸. بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور در ولادت حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۸/۰۹/۰۳
۹۹. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۱۴
۱۰۰. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۵
۱۰۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۷۰
۱۰۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۸
۱۰۳. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷
۱۰۴. امام خمینی، کتاب ولایت فقیه، ص ۷۰
۱۰۵. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۲
۱۰۶. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۲
۱۰۷. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴
۱۰۸. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴
۱۰۹. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶
۱۱۰. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶
۱۱۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶
۱۱۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶
۱۱۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰
۱۱۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶
۱۱۵. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷
۱۱۶. بیانات به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰
۱۱۷. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶
۱۱۸. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۰
۱۱۹. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۳۱
۱۲۰. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۰۳
۱۲۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۰۹
۱۲۲. سید علی خامنه‌ای (رهبر معظم انقلاب)، کتاب ولایت، ص ۸۴-۸۶
۱۲۳. امام خمینی، کتاب ولایت فقیه، ص ۴۹
۱۲۴. امام خمینی، کتاب ولایت فقیه، ص ۵۰
۱۲۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم دیدار سفرا و کارداران وزارت امور خارجه ۱۳۷۲/۶/۴
۱۲۶. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مهمانان خارجی دهه فجر و اقشار مختلف مردم روز نیمه شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۱۸
۱۲۷. خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۶/۱۱/۱۶
۱۲۸. امام خمینی، کتاب ولایت فقیه، ص ۵۰